

اقدام متقابل علیه سازمان بین‌المللی: مشروعیت تعلیق همکاری ایران با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (پژوهشی)

مهدی حدادی *

(DOI) : 10.22066/cilamag.2025.2070550.2805

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۰۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۱۰

چکیده

پس از تجاوز اسرائیل به حاکمیت و تمامیت سرزمینی ایران و نیز حمله ایالات متحده آمریکا به تأسیسات هسته‌ای ایران، دولت جمهوری اسلامی ایران بر اساس قانون مصوبه مجلس، ملزم به تعلیق همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی شد. پیش از این نیز در مواردی ایران برخی همکاری‌های خود را با آژانس، محدود یا تعلیق کرده بود. ادعای دولت ایران این است که آژانس و نیز مدیرکل این سازمان به وظایف و تعهدات خود در خصوص این حملات عمل نکرده‌اند. به‌ویژه مدیرکل، همواره رویکردی سیاست‌زده، گزینشی و تبعیض‌آمیز نسبت به جمهوری اسلامی ایران در پیش گرفته است. سؤال پژوهش این است که آیا در روابط بین ایران با آژانس، تعلیق همکاری تحت عنوان اقدام متقابل از مشروعیت برخوردار است؟ نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که با لحاظ شرایط خاص، امکان توسل به اقدام متقابل علیه سازمان در برابر تخلفاتش وجود دارد، اگرچه در خصوص نقض تعهدات ناشی از قواعد سازمان، توسل به اقدام متقابل نیازمند مجوز خاص است و سازوکارهای درون‌سازمانی اولویت دارد.

واژگان کلیدی

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، مسئولیت بین‌المللی، اقدام متقابل، قواعد سازمان، تعلیق همکاری



مقدمه

ایران از اعضای قدیمی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و نیز معاهده منع گسترش سلاح‌های اتمی محسوب می‌شود. می‌توان فعالیت‌های هسته‌ای از جمله غنی‌سازی پس از پیروزی انقلاب اسلامی را سرآغاز چالش‌های حقوقی و فنی ایران با آژانس برشمرد. در حقوق سازمان‌های بین‌المللی، روابط میان سازمان بین‌المللی و دولت‌های عضو مبتنی بر یک نوع رابطه حقوقی متقابل است. از یک سو، دولت‌های عضو در مقابل سازمان، تعهداتی را می‌پذیرند، از جمله رعایت مقررات سازمان، پرداخت حق عضویت، اجرای تصمیمات الزام‌آور، همکاری با ارکان سازمان و پرهیز از اقداماتی که با اهداف سازمان ناسازگار است. از سوی دیگر، سازمان بین‌المللی نیز نسبت به اعضا تکالیفی دارد، مانند تضمین مشارکت برابر اعضا (حداقل در چارچوب سند تأسیس)، رعایت اصل برابری حاکمیت دولت‌ها، فراهم کردن زمینه مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها، ارائه خدمات و مزایای عضویت (از جمله همکاری فنی، اقتصادی یا سیاسی)، و عمل در حدود اختیارات اعطایی.^۱ مهم‌ترین منبع این حقوق و تعهدات متقابل، قواعد سازمان، به‌ویژه سند تأسیس است. البته منابع خارج از قواعد سازمان، مانند معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای و نیز موافقت‌نامه‌های دوجانبه پادمان نیز حاکم بر چنین روابطی است.

سازمان‌های بین‌المللی به‌عنوان تابعان حقوق بین‌الملل می‌توانند از تعهدات بین‌المللی اولیه برخوردار شوند. چنانچه دیوان بین‌المللی دادگستری در نظر مشورتی خود در خصوص تفسیر موافقت‌نامه ۲۵ مارس ۱۹۵۱ منعقد میان سازمان جهانی بهداشت و مصر بیان می‌دارد: «سازمان‌های بین‌المللی تابع حقوق بین‌الملل هستند و بدین دلیل ملزم به تمام تعهدات ناشی از حقوق بین‌الملل عام، سند تأسیس و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی هستند که طرف آن‌ها هستند».^۲ همچون دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی در صورت نقض تعهدات بین‌المللی مسئولیت بین‌المللی خواهند داشت.

در مورد تعهدات حقوقی بین‌المللی اولیه، چالش حقوقی که هنوز هم به‌طور کامل حل نشده است، ماهیت قواعد سازمان به‌عنوان منبع تعهد بین‌المللی برای سازمان است.^۳ پذیرش ماهیت بین‌المللی تعهدات ناشی از این قواعد، امکان اعمال قواعد مسئولیت بین‌المللی در صورت نقض این تعهدات از سوی سازمان را فراهم می‌کند.

چالش حقوقی مهم دیگر در روابط سازمان با اعضا، به مسئله اجرای مسئولیت بین‌المللی سازمان، به‌ویژه توسل به اقدام متقابل علیه سازمان از سوی اعضا مربوط می‌شود. آیا دولت‌های عضو در

1. Henry G Schermers & Niels M. Blokker, *International institutional law: Unity Within Diversity* (Martinus Nijhoff Publishers, 2011), 986.

2. *Interpretation of the Agreement of 25 March 1951 between the WHO and Egypt, Advisory Opinion, ICJ Reports, 1980, para 37.*

۳. مهدی حدادی و رضا اسمخانی، «ماهیت حقوقی قواعد سازمان‌های بین‌المللی: داخلی یا بین‌المللی»، *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی* ۵۰، ۴ (۱۳۹۹): ۱۶۲۴.

مواجهه با تخلفات سازمان و به منظور وادار کردن سازمان به اجرای تعهدات حقوقی اولیه و ثانویه (توقف نقض، جبران خسارت) می‌توانند به اقدام متقابل متوسل شوند؟

چرا اقدامات متقابل در این زمینه بحث‌برانگیز هستند؟ در جریان کار کمیسیون حقوق بین‌الملل بر روی پیش‌نویس مسئولیت بین‌المللی سازمان‌های بین‌المللی ۲۰۱۱، این نگرانی از سوی اعضای کمیسیون وجود داشت که گنجانیدن امکان اقدامات متقابل علیه سازمان‌ها از سوی اعضای سازمان در قواعد مسئولیت بین‌المللی سازمان‌های بین‌المللی، اجبار، اقدامات تلافی‌جویانه و ذهنیت‌گرایی را تشویق کند و در نهایت منجر به اختلال در عملکرد سازمان‌های بین‌المللی شود.^۴ توسل به اقدامات متقابل توسط دولت‌های عضو علیه سازمان‌های بین‌المللی، علاوه بر مطرح کردن چالش‌های بسیار پیچیده، بیانگر تعارض شدید میان پدیده نهادینه‌سازی در چارچوب سازمان‌های بین‌المللی از یک سو، و منطق بدوی خودیاری حاکم بر جامعه بین‌المللی از سوی دیگر است. همچنین همان گونه که کمیسیون حقوق بین‌الملل اذعان دارد، رویه موجود در زمینه اقدامات متقابل علیه سازمان‌ها کمیاب است.^۵ برخی دیگر معتقدند عاقلانه‌تر است که اقدامات متقابل، با گنجانیدن آن‌ها در پیش‌نویس مواد مسئولیت بین‌المللی به رسمیت شناخته شود، اما باید آن‌ها را تنظیم و محدود کرد.^۶ این گزینه آخر، موضعی بود که در نهایت در پیش‌نویس مواد مربوط به مسئولیت دولت اتخاذ شد و به نظر می‌رسد که در زمینه مسئولیت بین‌المللی سازمان‌ها نیز غالب خواهد بود. نکته مهم اینکه پیش‌نویس ۲۰۱۱ میان اقدام متقابل دولت‌های عضو علیه سازمان و اقدامات سایر دولت‌ها علیه آن تمایز قائل شده است. سؤال این است که آیا می‌توان تعلیق همکاری یا کاهش همکاری جمهوری اسلامی ایران با آژانس را در گذشته یا پس از تصویب قانون الزام دولت به تعلیق همکاری با آژانس،^۷ در چارچوب اقدام متقابل علیه سازمان بین‌المللی توجیه کرد؟ پاسخ این سؤال در حوزه قواعد مسئولیت بین‌المللی سازمان‌های بین‌المللی و در بخش اجرای مسئولیت بین‌المللی قرار می‌گیرد. منتهی از آنجا که اجرای مسئولیت بین‌المللی سازمان‌ها از جمله توسل به اقدام متقابل علیه سازمان مستلزم اثبات مسئولیت بین‌المللی است، باید در بخش نخست به بررسی التزام سازمان‌ها به تعهدات بین‌المللی پرداخت. از آنجا که بخش مهمی از قواعد حاکم بر روابط سازمان با اعضا، قواعد سازمان است، لازم است در بخش نخست به این موضوع پرداخته شود که آیا تعهدات ناشی از قواعد سازمان از نوع تعهدات بین‌المللی است یا خیر. چنانچه این

4. ILC, "Yearbook of the International Law Commission", A/CN.4/SER.A/2008, Vol 2, part 2, p. 109, para 148.

5. ILC, "Draft articles on the Responsibility of International Organizations, with Commentaries" in YILC, Vol. II, Part 2, 2011, p. 92.

6. Kristen E Boon, "The Responsibility of International Organizations: The Controversy Over Countermeasures", *opiniojuris.org/2009/11/19*.

7. قانون الزام دولت به تعلیق همکاری با سازمان (آژانس) بین‌المللی انرژی هسته‌ای (اتمی)، مصوب ۱۴۰۴/۴/۴، مجلس شورای اسلامی.

تعهدات بین‌المللی باشد، نقض آن‌ها موجب اعمال قواعد مسئولیت بین‌المللی سازمان‌ها در روابط اعضا با سازمان خواهد شد. در بخش دوم باید موارد ادعایی نقض که از سوی دولت ایران مطرح شده است بررسی شود. در نهایت در بخش سوم که به مرحله اجرای مسئولیت بین‌المللی مربوط می‌شود، مسئله توسل به اقدام متقابل از سوی اعضا علیه سازمان در چارچوب پیش‌نویس ۲۰۱۱ بررسی و تحلیل خواهد شد. بدین ترتیب مشخص خواهد شد که آیا تعلیق همکاری ایران با آژانس در چارچوب این مقررات قرار می‌گیرد یا خیر؛ لذا ساختار مقاله با ساختار قواعد مسئولیت بین‌المللی منطبق شده است.

۱. التزام سازمان‌های بین‌المللی به تعهدات حقوقی

سازمان بین‌المللی، حیات و موجودیتی مستقل از دولت‌های عضو خود دارد. این نهاد برای تحقق اهداف پیش‌بینی‌شده در سند تأسیس باید بتواند دارای حقوق و تکلیف شود. این ممکن نیست مگر اینکه برای آن شخصیت حقوقی جدا و منفک از شخصیت حقوقی دولت‌های عضو شناخته شود.^۸ بر همین اساس، دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی مشورتی ۱۹۴۹ خود در خصوص جبران خسارت، ابراز داشت: «قصد بر این بوده است که سازمان از حقوقی بهره‌مند شود و کارکردهایی را به اجرا بگذارد، و در واقع هم بهره‌مند شده و به اجرا گذارده است، که فقط بر اساس برخورداری از میزان بالایی از شخصیت بین‌المللی و اهلیت اقدام در سطح بین‌المللی می‌تواند تبیین شود».^۹

یکی از تبعات شخصیت حقوقی سازمان‌ها، مسئولیت آن‌ها در نتیجه نقض مقررات حقوق بین‌الملل است. درست در همین نقطه است که نظریه مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی، بنیان و اساسی موجه می‌یابد. در حقیقت، شخصیت حقوقی بین‌المللی هر سازمان بین‌المللی به منزله شالوده و مبنای مسئولیت آن است و لازمه مسئولیت، داشتن شخصیت بین‌المللی است. به تعبیر دقیق‌تر، مسئولیت سازمان، مستلزم برخورداری آن از حقوق و تکالیف بین‌المللی است.^{۱۰}

۱-۱. التزام سازمان بین‌المللی به تعهدات حقوقی ناشی از قواعد سازمان

تعهدات حقوقی سازمان‌های بین‌المللی، گاه ریشه در نظام حقوقی دارد که سازمان بر اساس آن موجودیت می‌یابد (سند تأسیس) و چاره‌ای جز تمکین در مقابل آن ندارد، و گاه منبعث از قواعد کنوانسیون، عرف بین‌المللی یا اصول کلی حقوق است.^{۱۱} از این رو دیوان بین‌المللی دادگستری در نظر مشورتی خود در

۸. ابراهیم بیگزاده، حقوق سازمان‌های بین‌المللی (تهران: انتشارات مجد، ۱۳۸۹)، ۱۲۵.

۹. *Reparation for Injuries Suffered in the Service of the United Nations, Advisory Opinion, ICJ Reports, 1949, para 179.*

۱۰. سیدقاسم زمانی، حقوق سازمان‌های بین‌المللی، جلد اول (تهران: انتشارات شهر دانش، ۱۳۹۶)، ۶۸ و ۶۹.

۱۱. همان، ۴۷.

خصوص تفسیر موافقت‌نامه ۲۵ مارس ۱۹۵۱ منعقد بین سازمان بهداشت جهانی و مصر اظهار داشت: «سازمان‌های بین‌المللی تابع حقوق بین‌الملل هستند و بدین دلیل ملزم به تمام تعهدات ناشی از حقوق بین‌الملل عام، سند مؤسس و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی هستند که طرف آن هستند».^{۱۲}

اصطلاح «قواعد سازمان»، یک اصطلاح توسعه‌یافته در کارهای کمیسیون حقوق بین‌الملل در زمینه «حقوق معاهدات» و همچنین «نمایندگی دولت‌ها در روابطشان با سازمان‌های بین‌المللی» است که در کنوانسیون‌های مربوطه اشاره شده است.^{۱۳} اولین اشاره جدی به اصطلاح «قواعد سازمان» در یک معاهده بین‌المللی در کنوانسیون حقوق معاهدات صورت گرفت. ماده ۵ کنوانسیون ۱۹۶۹ حقوق معاهدات در این خصوص بیان می‌دارد: «مقررات کنوانسیون حاضر بر هر معاهده‌ای که سند مؤسس یک سازمان بین‌المللی است و هر گونه معاهده مصوب در درون چارچوب یک سازمان بین‌المللی اعمال می‌شود، بدون اینکه خدشه‌ای به هر گونه قواعد مرتبط سازمان وارد نماید».

متعاقباً کنوانسیون ۱۹۷۵ وین در مورد نمایندگی دولت‌ها در روابطشان با سازمان‌های بین‌المللی نیز مقرر مشابهی را در ماده ۳ خود گنجانده است. کنوانسیون در مواد متعدد دیگر یعنی مواد ۱، ۳، ۵، ۱۰، ۱۱، ۱۸، ۴۲، ۴۴ و ۷۱ نیز به صراحت به اصطلاح «قواعد سازمان‌ها» اشاره دارد.^{۱۴} با توجه به اهمیت قواعد سازمان، کنوانسیون وین ۱۹۷۵ در ماده ۱، اولین تعریف را از این قواعد ارائه کرد. بر اساس این تعریف، قواعد سازمان، «به‌ویژه به معنی اسناد مؤسس، تصمیمات و قطعنامه‌های مرتبط و رویه مستقر سازمان است». این تعریف دقیقاً در ماده ۲ کنوانسیون ۱۹۸۶ حقوق معاهدات میان دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی و بین سازمان‌های بین‌المللی^{۱۵} تکرار شده و در نهایت به بند (ب) ماده ۲ پیش‌نویس ۲۰۱۱ راه پیدا کرده است.

بر اساس ماده ۲ پیش‌نویس ۲۰۱۱، قواعد سازمان به‌طور خاص عبارت است از سند تأسیس، تصمیمات، قطعنامه‌ها و دیگر اعمال سازمان که طبق سند تأسیس به تصویب می‌رسند و رویه استقرار یافته سازمان ذی‌ربط.^{۱۶}

باید این اصل را همواره در نظر داشت که اگرچه سازمان‌ها از شخصیت حقوقی مستقل از دولت‌های عضو برخوردارند، سازمان‌های بین‌المللی مخلوق دولت‌ها هستند. در حقیقت دولت‌ها از

12. *Interpretation of the Agreement of 25 March 1951 between the WHO and Egypt, Advisory Opinion, ICJ Reports, 1980, para 37.*

13. رضا اسمخانی، تأثیر ماهیت قواعد سازمان بر مسئولیت بین‌المللی سازمان‌های بین‌المللی، رساله دکتری (دانشکده حقوق، دانشکده‌گان فارابی دانشگاه تهران، ۱۳۹۸)، ۲۸.

14. Vienna Convention on the Representation of States in their Relations with International Organizations of a Universal Character, UN Doc. A/CONF. 67/16 (14 March 1975).

15. Vienna Convention on the Law of Treaties between International Organizations and States and between International Organizations, 25 ILM 543 (1986).

16. ILC, "Draft articles on the Responsibility of International Organizations, with Commentaries" in YILC, Vol. II, Part 2, 2011.

رهگذر عمل حقوقی بین‌المللی که در سندی بین‌المللی (سند تأسیس) تثبیت می‌شود، اراده خود را در تأسیس نهادی بین‌المللی ابراز می‌دارند. بر اساس نظر مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری در مورد مشروعیت استفاده از سلاح‌های اتمی در مخاصمات مسلحانه: «اسناد مؤسس سازمان‌های بین‌المللی، معاهداتی ویژه هستند؛ موضوع آن معاهدات، ایجاد تابعان جدید حقوق است که تا حدی استقلال دارند و طرف‌های معاهده، تحقق اهداف مشترک را به آن واگذار می‌کنند. چنین معاهداتی وصف دوگانه قراردادی و در عین حال، اساسی دارند».^{۱۷} بدین ترتیب، سند تأسیس، اهداف، صلاحیت‌ها و اختیارات و تعهدات را برای سازمان مشخص می‌سازد. در همین رأی مشورتی، دیوان به اصل تخصص هم اشاره می‌نماید: «سازمان‌های بین‌المللی تابعان حقوق بین‌الملل هستند که برخلاف دولت‌ها دارای صلاحیت عام نیستند. سازمان‌های بین‌المللی تحت حاکمیت اصل تخصص هستند، بدین معنا که دولت‌هایی که سازمان‌های بین‌المللی را به وجود می‌آورند به آن‌ها اختیاراتی اعطا می‌کنند که محدوده آن اختیارات، انجام منافع مشترک است؛ منافع مشترکی که دولت‌ها ارتقای آن‌ها را به سازمان‌های بین‌المللی سپرده‌اند».^{۱۸}

اگرچه در زمان تنظیم سند تأسیس، سازمان بین‌المللی ذی‌ربط، به‌واقع موجودیت خارجی نداشته است، التزام آن به مقررات مندرج در آن سند از ماهیت سازمان به‌عنوان تابع ثانویه حقوق بین‌الملل نشأت می‌گیرد. به دیگر سخن، سازمان بر نظامی حقوقی گردن می‌نهد که دولت‌های مؤسس برای آن ایجاد کرده‌اند. حقوق و تکالیف اساسی سازمان، مبتنی بر سند تأسیس است. سازمان نه فقط می‌تواند، بلکه باید تمام فعالیت‌ها و اقدامات خود را با آن معاهده منطبق کند. به عبارت دیگر، سازمان در مقابل سند تأسیس خود، طرف ثالث محسوب نمی‌شود.^{۱۹} پل روتر، مخبر ویژه کمیسیون حقوق بین‌الملل برای حقوق معاهدات سازمان‌های بین‌المللی نیز با قیاس از حقوق داخلی این سؤال را که آیا سازمان‌ها به سند مؤسس خود ملزم هستند، بی‌معنا تلقی کرد. از نظر او: «در تمام سیستم‌های حقوق داخلی تصدیق شده است که یک شرکت نسبت به قرارداد موجد خود، شخص ثالث محسوب نمی‌شود».^{۲۰}

در کنار سند تأسیس، اتخاذ تصمیمات و سایر اقداماتی که سازمان‌ها رأساً انجام می‌دهند به‌عنوان عمل یکجانبه سازمان‌های بین‌المللی می‌توانند منشأ ایجاد تعهدات بین‌المللی برای آن‌ها در قبال دیگران باشد. این اعمال که در اجرای وظایف و انجام اشتغالات سازمان صورت می‌گیرند برای آنکه تعهدی ایجاد کنند باید به لحاظ شکلی و ماهوی معتبر قلمداد شوند: «قصد ایجاد تعهد، علنی بودن و صلاحیت اتخاذ عمل ذی‌ربط، شروط اصلی اعتبار و حتی علل وجودی اعمال یکجانبه

17. *Legality of the Use by a State of Nuclear Weapons in Armed Conflict (Request by WHO) Advisory Opinion, ICJ Reports, 1996, para 19.*

18. *Ibid.*, at 25.

19. زمانی، همان، ۵۰.

20. ILC, "Yearbook of the International Law Commission", A/CN.4/SER.A/1982, Vol 1, p. 26, para 10.

سازمان است. چنین اعمال یکجانبه نباید ناقض مفاد سند تأسیس باشند».^{۲۱}

۱-۲. ماهیت تعهدات حقوقی ناشی از قواعد سازمان

به جهت تأثیر ماهیت تعهدات حقوقی ناشی از قواعد سازمان بر اعمال قواعد مسئولیت بین‌المللی بر تخلفات ناشی از چنین تعهداتی، این سؤال مطرح می‌شود که آیا تعهدات حقوقی ناشی از قواعد سازمان، بین‌المللی هستند یا ناشی از قواعد داخلی سازمان؟

این پرسش از یک مسئله بنیادی ناشی می‌شود که از همان ابتدای پیدایش سازمان‌های بین‌المللی، همواره در مورد کارکرد سازمان‌های بین‌المللی مطرح بوده است که آیا سازمان‌ها موجودیت‌هایی بسته، دارای شخصیت حقوقی مستقل و نتیجتاً برخوردار از ساختار حقوقی مجزایی هستند که خارج از منظومه حقوق بین‌الملل محسوب می‌شوند یا اینکه موجودیت‌هایی بازند که صرفاً ابزار تحقق اهداف دولت‌ها بوده و بدون آنکه نظام حقوقی مستقلی داشته باشند، صرفاً بخشی از حقوق بین‌الملل محسوب می‌شوند.^{۲۲} کمیسیون حقوق بین‌الملل در پیش‌نویس ۲۰۱۱ موضع روشنی در مورد جایگاه قواعد سازمان در حقوق مسئولیت آنان ارائه نکرده است. از فحواى برخی از مواد طرح می‌توان این نتیجه را گرفت که قواعد سازمان، نقشی صرفاً حقوق داخلی دارند: (ماده ۶ (۲)، ماده ۳۲ (۱) و ماده ۴۰ (۲))، اما برخی دیگر از قواعد، درست نقطه مقابل همین ایده را به ذهن متبادر می‌کنند: (ماده ۱۰ (۲)، ماده ۲۲ و ۵۲ و ماده ۳۲ (۲)).^{۲۳}

به‌طور مشخص، کمیسیون حقوق بین‌الملل در ماده ۱۰ پیش‌نویس ۲۰۱۱ و تفسیر ذیل آن، امکان این را که تعهدات ناشی از قواعد سازمان از نوع تعهد بین‌المللی باشد می‌پذیرد. اما خود این پرسش را مطرح می‌کند که آیا همه تعهدات ناشی از قواعد سازمان‌های بین‌المللی، تعهد بین‌المللی محسوب می‌شوند؟ در جواب بیان می‌کند که ماهیت حقوقی قواعد سازمان تا حدودی بحث‌برانگیز است. از نظر کمیسیون، به‌رغم تأثیر ماهیت حقوقی قواعد سازمان بر قابلیت اعمال حقوق بین‌الملل بر مسئولیت سازمان‌ها، در مواد طرح از مباحث نظری پیرامون آن اجتناب شده است؛ لذا بند ۲ ماده ۱۰ پیش‌نویس نیز فقط بیان این نکته است که اگر تعهدات ناشی از قواعد سازمان، تعهدات بین‌المللی تلقی شوند، اصول مندرج در مواد حاضر بر آن‌ها قابل اعمال خواهند بود.^{۲۴}

از آنجا که تمرکز این مقاله بر تعهدات ناشی از سند تأسیس آژانس بین‌المللی انرژی اتمی است، به نظر می‌رسد در راستای نظر اکثریت حقوق‌دانان بین‌المللی می‌توان سند تأسیس یک سازمان را دارای

۲۱. زمانی، همان، ۷۳.

۲۲. حدادی و اسمخانی، همان، ۱۶۲۴.

23. Christiane Ahlborn, "The Rules of International Organizations and the Law of International Responsibility", *International Organizations Law Review* 8 (2011): 1

24. ILC, Draft Articles on the Responsibility of International Organizations, with Commentaries, p. 64.

ماهیت بین‌المللی و منشأ تعهدات بین‌المللی برای سازمان دانست. از این رو کمیسیون حقوق بین‌الملل در شرح ذیل ماده ۵ پیش‌نویس ۲۰۱۱ بیان می‌دارد: «نمی‌توان قواعد سازمان را به‌طور دقیق از حقوق بین‌الملل متمایز کرد. حداقل سند تأسیس سازمان بین‌المللی، یک معاهده یا سند دیگری است که تابع حقوق بین‌الملل است؛ می‌شود سایر قواعد سازمان را به‌عنوان بخشی از حقوق بین‌الملل در نظر گرفت».^{۲۵} می‌توان علت این رویکرد کمیسیون را این‌گونه بیان کرد که نمی‌شود قواعد سازمان‌های بین‌المللی را به همان آسانی که قوانین داخلی دولت‌ها از حقوق بین‌الملل متمایز می‌شود، از حقوق بین‌الملل جدا کرد. قواعد سازمان‌های بین‌المللی دو وجه داخلی و بین‌المللی دارند که هرکدام از این وجوه می‌توانند در مسائل مربوط به مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی به شیوه‌های مختلفی تأثیر بگذارند. می‌توان مصداق اجلای این وجه داخلی و بین‌المللی را در اسناد تأسیس سازمان‌ها دید که معاهداتی بین‌المللی هستند اما سند اساسی داخلی برای کارهای سازمان به حساب می‌آیند. پس مشخصاً نمی‌توان اسناد تأسیس سازمان‌ها را صرفاً قواعدی داخلی دانست که تأثیری بر نحوه مسئولیت سازمان‌ها ندارند.^{۲۶} پیش از این نیز کنوانسیون حقوق معاهدات ۱۹۶۹ در خصوص وجه بین‌المللی بودن سند تأسیس در ماده ۵ بیان داشته است: «معاهده حاضر بر هر معاهده‌ای که سند تأسیس یک سازمان بین‌المللی باشد و بر هر معاهده‌ای که در چارچوب سازمانی بین‌المللی پذیرفته شود اعمال می‌شود، بی‌آنکه به هیچ کدام از قواعد مربوط به آن سازمان لطمه وارد کند».

۲. موارد ادعایی نقض تعهدات حقوقی توسط آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در برابر ایران

آژانس بر اساس سند تأسیس، مأمور به ترویج استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای و هم‌زمان، نظارت (پادمان) برای جلوگیری از انحراف به مصارف نظامی است. به مدت شش دهه، سند تأسیس آژانس بر تصمیم‌گیری در سطح مشترک بین دبیرخانه آژانس و دولت‌های عضو، تأثیر گذاشته است. این امر معمولاً در دو نهاد سیاست‌گذاری آژانس، شورای حکام و کنفرانس عمومی انجام می‌شود. با گذشت زمان، تحولات خارجی و رویدادهای هسته‌ای چشمگیر، دیدگاه‌های اعضای آن را تحت تأثیر قرار داد و بر دامنه فعالیت‌های آژانس تأثیر گذاشت و در برخی موارد، آن‌ها را بسیار فراتر از آنچه در سند تأسیس آژانس پیش‌بینی شده بود، گسترش داد. اما پادمان‌های آژانس از سند تأسیس آژانس، به‌ویژه از معاهده عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای که آژانس را به‌عنوان نهاد راستی‌آزمایی خود تعیین می‌کند، پیروی می‌کنند.

25. Ibid., p. 54.

26. نسیم زرگری‌نژاد، جنال عام و خاص در حقوق مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی، رساله دکتری (دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۴۰۲)، ۱۳۹.

مأموریت پادمانی آژانس، واقعاً منحصر به فرد است. تعهدات ناشی از توافقنامه‌های پادمانی، برخلاف زبان تلویحی سند تأسیس آژانس، هم آزادی عمل آژانس در زمینه راستی‌آزمایی را محدود می‌کند و هم در عین حال به آژانس، استقلال قابل توجهی می‌دهد. برخلاف راهنمایی‌های آژانس در مورد ایمنی هسته‌ای و امنیت هسته‌ای، مفاد توافقنامه‌های پادمانی آژانس، دولت‌های مشمول پادمان را ملزم به اجرای دقیق این توافقنامه‌ها می‌کند. بنابراین پادمان‌ها حاوی تعهدات حقوقی برای آژانس و دولت طرف بازرسی هستند. از آنجا که تعهدات آژانس در اسناد حقوقی به تفصیل شرح داده شده است، دبیرخانه آژانس از استقلال قابل توجهی برای اجرای پادمان‌ها برخوردار است، در حالی که مشمول محدودیت‌های سختگیرانه‌ای است.^{۲۷}

در این قسمت فقط به آن دسته از تعهدات آژانس پرداخته می‌شود که دولت ایران مدعی نقض آن از سوی آژانس است.

۲-۱. نقض تعهد به حفظ محرمانگی اطلاعات

از زمان آغاز ورود ویژه آژانس به برنامه هسته‌ای ایران تا حمله به تأسیسات هسته‌ای از سوی اسرائیل و ایالات متحده آمریکا، برخی ادعاها در خصوص تخلفات آژانس از تعهداتش به موجب سند تأسیس و پادمان از سوی جمهوری اسلامی ایران مطرح شده است. از جمله نقض‌های ادعا شده، مربوط به تعهد آژانس به حفظ محرمانگی اطلاعات به دست آمده است.^{۲۸} کارآیی سازوکار پادمانی آژانس به نحوی گریزناپذیر بر اعتماد دولت‌های عضو به توانایی آژانس در حفاظت از اطلاعات محرمانه هسته‌ای آن‌ها بستگی دارد؛ لذا چنین تعهدی برای آژانس، در بیشتر اسناد الزام‌آور مانند سند تأسیس آژانس، موافقت‌نامه‌های پادمانی، کنوانسیون‌های بین‌المللی هسته‌ای و موافقت‌نامه‌های همکاری بین آژانس و دیگر سازمان‌های بین‌المللی مقرر شده است. برای مثال، در موافقت‌نامه راجع به همکاری میان آژانس و ملل متحد ۱۹۵۸ حق آژانس به عدم انتقال اطلاعات محرمانه به ملل متحد، مگر به درخواست شورای امنیت، محفوظ دانسته شده است.^{۲۹}

بر اساس ماده ۳(ج) سند تأسیس، «آژانس در اعمال و وظایف خود، حقوق ناشی از حاکمیت دولت‌ها را ملحوظ و محترم می‌دارد». ماده ۷(و) سند تأسیس مقرر می‌دارد: «مدیرکل و کارکنان نباید هیچ رمزی را که مربوط به طرز تهیه یا هر گونه اطلاعات سری دیگر بوده و در نتیجه انجام مشاغل محوله از طرف آژانس تحصیل می‌کنند افشا کنند».

27. Mark Hibbs, "Why Does the IAEA Do What It Does?", *Carnegie Endowment for International Peace*, 2.

28. امیرحسین رنجبریان و حسن کمالی‌نژاد، «تعهد آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به حفاظت از اطلاعات محرمانه هسته‌ای ایران»، *مجله حقوقی بین‌المللی*، ۳۰، ۴۹ (۱۳۹۲): ۱۶.

29. همان، ۱۳.

بر اساس ماده ۵ موافقت‌نامه پادمان میان آژانس و ایران ۱۹۷۳: «الف) آژانس تمام اقدامات احتیاطی را برای محافظت از اسرار تجاری و صنعتی و سایر اطلاعات محرمانه‌ای که در اجرای این توافقنامه به دست می‌آورد، به کار خواهد گرفت. (ب) (۱) آژانس هیچ اطلاعاتی را که در رابطه با اجرای این توافقنامه به دست می‌آورد، منتشر یا به هیچ دولت، سازمان یا شخصی منتقل نخواهد کرد، مگر اینکه بتوان اطلاعات خاص مربوط به اجرای آن را به شورای حکام آژانس و به آن دسته از اعضای کارکنان آژانس که به دلیل وظایف رسمی خود در رابطه با پادمان‌ها به چنین اطلاعاتی نیاز دارند، ارائه داد، اما فقط تا حدی که برای انجام مسئولیت‌های آژانس در اجرای این توافقنامه ضروری باشد. (ب) (۲) اطلاعات خلاصه‌شده در مورد مواد هسته‌ای مشمول پادمان، طبق این توافقنامه، در صورت موافقت دولت‌های ذی‌نفع مستقیم، با تصمیم شورای حکام، قابل انتشار است». همچنین بر اساس ماده ۹ (ج) موافقت‌نامه پادمان: «بازدیدها و فعالیت‌های بازرسان آژانس باید به گونه‌ای تنظیم شود که حفاظت از اسرار صنعتی یا هر گونه اطلاعات محرمانه دیگری که به اطلاع بازرسان می‌رسد، تضمین شود».^{۳۰}

جمهوری اسلامی ایران، بارها به آژانس اطلاع داده است که افشای اطلاعات فوق سری به‌ویژه اطلاعات راجع به تأسیسات هسته‌ای ایران که به نشانه شفاف‌سازی و اعتمادسازی در اختیار بازرسان آژانس قرار گرفته، مایه نگرانی عمده است. همچنین ایران ادعا کرده است که افشای اطلاعاتی که در اختیار بازرسان آژانس قرار داده شده است منتهی به ترور برخی دانشمندان هسته‌ای آن شده است. علاوه بر افشا یا درز اطلاعاتی که در اختیار بازرسان و کارکنان آژانس قرار داده شده است، اعتراض دیگر ایران به ذکر جزئیات محرمانه در گزارش‌های مدیرکل بوده است. به تعبیر دیگر، نگرانی دیگر ایران، تخلف از اصل محرمانگی از جانب شخص مدیرکل است.^{۳۱}

در مقابل، آژانس همواره اعلام کرده است که اصل محرمانگی اطلاعات هسته‌ای اعضا، یکی از ارکان اساسی نظام پادمان‌هاست و این اصل به‌طور جدی رعایت می‌شود. آژانس به‌طور رسمی هیچ‌گاه مسئولیت درز اطلاعات مربوط به ایران را نپذیرفته و ادعاهای ایران را مبنی بر اینکه اطلاعات فنی یا شخصی در اختیار بازرسان منجر به ترور دانشمندان هسته‌ای شده رد کرده است. مقامات آژانس در پاسخ‌های رسمی خود تأکید کرده‌اند که هیچ شواهدی دال بر افشای اطلاعات محرمانه از سوی کارکنان یا مقامات آژانس وجود ندارد.^{۳۲} آژانس اعلام کرده است که گزارش‌های مدیرکل به شورای حکام، ماهیت فنی و نظارتی دارند و آنچه در آن‌ها ذکر می‌شود، صرفاً برای

30. Agreement between Iran and the Agency for the Application of Safeguards in Connection with the Treaty on the Non-proliferation of Nuclear Weapons, INFCIRC/214, 13 December 1974.

۳۱. رنجبریان و کمالی‌نژاد، همان، ۱۷.

32. <https://en.ima.ir/news/85023422/>

شفاف‌سازی وضعیت اجرای تعهدات پادمانی اعضاست.^{۳۳}

۲-۲. نقض تعهد به رعایت اصول بی‌طرفی و حرفه‌ای‌گری در گزارش‌دهی

از دیگر ادعاهای جمهوری اسلامی ایران در خصوص تخلفات آژانس از تعهدات خود در برابر ایران که به نوعی در حمله اسرائیل و ایالات متحده آمریکا به تأسیسات هسته‌ای تأثیر داشته است، نحوه گزارش‌دهی مدیرکل آژانس است.

بر اساس ماده ۱۲(ج) سند تأسیس، «وظیفه احراز اولیة عدم پایبندی و تخلف عضو بر عهده بازرسان آژانس قرار دارد. بازرسان باید هرگونه عدم پایبندی را به مدیرکل گزارش کنند و وی باید گزارش را به شورای حکام منتقل کند». همان‌گونه که از متن این ماده روشن می‌شود، عناصر عدم پایبندی مشخص نیست و توجه سند تأسیس، بیشتر ناظر بر آیین احراز عدم پایبندی است تا شرایط خود عدم پایبندی.^{۳۴} بر اساس ماده ۱۹ موافقت‌نامه پادمان نیز «اگر شورای حکام، پس از بررسی اطلاعات مربوطه که توسط مدیرکل به آن گزارش شده است، تشخیص دهد که آژانس قادر به تأیید عدم انحراف مواد هسته‌ای مورد نیاز برای حفاظت تحت این توافقنامه، به سمت سلاح‌های هسته‌ای یا سایر وسایل انفجاری هسته‌ای نیست، می‌تواند گزارش‌های مندرج در بند (ج) ماده ۱۲ سند تأسیس آژانس را تهیه کند و همچنین می‌تواند در صورت لزوم، سایر اقدامات مندرج در آن پاراگراف را انجام دهد».

اصول بی‌طرفی و حرفه‌ای‌گری در گزارش‌های مدیرکل آژانس به‌عنوان بخش مهمی از تعهدات سازمانی آژانس، مستقیماً از سند تأسیس آژانس، اصول کلی حقوق سازمان‌های بین‌المللی (مانند اصل حسن‌نیت، بی‌طرفی دبیرخانه و وفاداری به اهداف) قابل استنباط است. می‌توان این اصول را در چند محور اصلی توضیح داد:

(۱) اصل بی‌طرفی

مدیرکل در گزارش‌دهی نباید میان اعضا تفاوت قائل شود و باید با همه دولت‌ها به‌طور برابر رفتار کند. گزارش‌ها باید بر مبنای داده‌های فنی و عینی باشد و از ورود به ملاحظات سیاسی یا جانبداری از مواضع قدرت‌های خاص خودداری کند. گزارش باید صرفاً متکی بر بازرسی‌ها، نتایج فنی و مدارک عینی باشد و نه بر ادعاهای سیاسی یا منابع غیررسمی (ماده ۷(و)، ماده ۱۲ سند تأسیس).^{۳۵}

33. GC(68)/RES/12.

34. سیدحسین سادات میدانی، «اختلافات آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با ایران در پرونده هسته‌ای از دیدگاه حقوق بین‌الملل»، *مجله حقوقی بین‌المللی* ۳۳، ۵۴ (۱۳۹۵): ۲۲۵.

35. Trevor Findlay, "IAEA Noncompliance Reporting and the Iran Case", *Arms Control Today* 46 (2016).

۲) اصل حرفه‌ای‌گری (پایبندی به معیارهای فنی و علمی)

گزارش‌ها باید بر اساس استانداردهای شناخته‌شده پادمان‌ها و رویه‌های بازرسی آژانس تهیه شوند. داده‌ها باید به‌طور کامل، دقیق و بدون ابهام ارائه شود تا امکان تفسیر نادرست یا سوءاستفاده سیاسی کاهش یابد. گزارش باید در چارچوب مأموریت آژانس (استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای و جلوگیری از انحراف به سمت مقاصد نظامی) باشد. مدیرکل موظف است اطلاعاتی را که ماهیت محرمانه دارند، جز در حدود لازم برای گزارش‌دهی عمومی یا به شورای حکام، افشا نکند. گزارش باید به گونه‌ای تنظیم شود که در صورت لزوم، امکان بررسی مجدد و تأیید آن توسط کارشناسان دیگر وجود داشته باشد. مدیرکل باید هم موارد پایبندی دولت‌ها به تعهدات و هم موارد احتمالی نقض یا کاستی‌ها را به‌صورت متوازن گزارش کند (ماده ۸ (ج) سند تأسیس).^{۳۶}

ایران در اغلب موارد نسبت به عدم رعایت این اصول در گزارش‌های مدیرکل آژانس اعتراض داشته است. به‌ویژه در خصوص آخرین گزارش مدیرکل، مندرج در سند GOV/2025/25 مورخ ۳۱ مه ۲۰۲۵ بیانیه مشترکی از سوی وزارت خارجه و سازمان انرژی اتمی صادر شد. در این بیانیه آمده است: «در این گزارش مدیرکل با استفاده گسترده از اسناد جعلی ارائه‌شده توسط رژیم صهیونیستی، اتهامات مغرضانه و بی‌اساس قبلی را مجدداً تکرار کرده است. اتهامات درج‌شده در گزارش فعلی مدیرکل، مبتنی بر ادعای معدود فعالیت‌ها و مکان‌های اعلام‌نشده در دهه‌های گذشته است. استناد به منابع اطلاعاتی ناموثق و انحرافی ارائه‌شده از سوی رژیم صهیونیستی به‌عنوان طرف ثالث غیرعضو در ان‌پی‌تی که دارای سلاح کشتار جمعی بوده و مرتکب فجیع‌ترین جنایات ضدبشری از جمله نسل‌کشی شده است، با اصول راستی‌آزمایی حرفه‌ای آژانس مغایرت دارد. جمهوری اسلامی ایران ضمن ابراز تأسف از انتشار این گزارش که با اهداف سیاسی از طریق فشار بر آژانس تهیه شده است، اعتراض صریح خود را نسبت به محتوای آن اعلام می‌نماید. این گزارش فراتر از دامنه وظایف محوله به مدیرکل و در تعارض با الزامات حرفه‌ای حاکم بر نهادهای بین‌المللی، از جمله اصل بی‌طرفی است».^{۳۷}

پس از تجاوز اسرائیل نیز از دید ایران، انتشار گزارش نامتوازن، گاه ناقص و بعضاً همراه با تفسیرهای سیاسی و جانبدارانه، زمینه‌ساز توجیه تجاوز غیرقانونی به زیرساخت‌های هسته‌ای ایران شده است که چنین رویکردی به هیچ وجه با وظایف بی‌طرفانه و حرفه‌ای آژانس همخوانی ندارد. در نامه سفیر و نماینده دائم جمهوری اسلامی ایران به دبیرکل سازمان ملل و رئیس شورای امنیت چنین آمده است: «اظهارات عمومی مطروحه توسط مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، *رافائل ماریانو گروسسی*، در آستانه اقدام تجاوزکارانه اخیر رژیم اسرائیل علیه جمهوری اسلامی ایران،

36. Anna Weichselbraun, "From Accountants to Detectives: How Nuclear Safeguards Inspectors Make Knowledge at the International Atomic Energy Agency", *POLAR* 43, 1 (2020):120.

37. <https://mfa.gov.ir/portal/newsview/767392/>

نقضی آشکار و جدی نسبت به اصل بی‌طرفی است که بر مسئولیت‌های جایگاه وی مترتب است. چنین اظهاراتی به‌طور کامل با وظایف و تعهدات قانونی مقرر در سند تأسیس آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ناسازگار و مغایر است. مدیرکل همواره رویکردی سیاست‌زده، گزینشی و تبعیض‌آمیز نسبت به جمهوری اسلامی ایران در پیش گرفته است. هنگامی که ایران در چارچوب حقوق حاکمیتی خود و مطابق با ماده ۹ موافقت‌نامه جامع پادمان، به‌صورت قانونی اقدام به لغو انتصاب برخی بازرسان نمود، مدیرکل بلافاصله با صدور بیانیه‌ای علنی و محکومیت‌آمیز به این اقدام واکنش نشان داد. وی در گزارش خود به شورای حکام، مورخ نوامبر ۲۰۲۳ (GOV/2023/58) از ادبیاتی شدیداً تند و اتهام‌آمیز استفاده کرده و به گونه‌ای مغایر با اصول بی‌طرفی، خویش‌داری و عینیت مورد انتظار از مقام وی و مقرر در سند تأسیس آژانس، جمهوری اسلامی ایران را به‌طور خاص هدف قرار داد.^{۳۸}

بدین ترتیب می‌توان استنباط کرد که از نظر ایران با این نوع گزارش‌دهی، سازکار پادمانی آژانس که فلسفه وجودی آن تضمین صلح و امنیت بین‌المللی و تقویت اعتماد میان دولت‌ها در چارچوب حقوق بین‌الملل است از غایت اصلی خود منحرف شده و به ابزاری برای توجیه اقدام‌های یکجانبه و تجاوزکارانه بین‌المللی بدل شده است. البته این ادعای ایران توسط مدیرکل آژانس رد شده است. *رافائل گروسی*، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در مصاحبه ویدیویی با «بنیاد نوآوری برای توسعه»، نهاد مستقر در کلمبیا، در پاسخ به این سؤال که «برخی منتقدان می‌گویند آژانس بی‌طرف نبوده است»، گفت: «گزارش‌های آژانس واقعیت را نشان می‌دهند». «گزارش‌های ما صرفاً وضعیت برنامه هسته‌ای ایران را بازگو کردند، بدون هیچ نکته جدید یا شگفت‌انگیزی که توجیه‌کننده اقدام نظامی باشد. حتی در مورد ساخت تسلیحات هسته‌ای، گزارش من به‌صراحت اعلام کرد که ایران در آن زمان و حتی اکنون، برنامه‌ای برای ساخت تسلیحات هسته‌ای ندارد. پس اگر کسی فکر کند این گزارش، دلیلی برای جنگ بود، کاملاً اشتباه می‌کند».^{۳۹}

۲-۳. عدم محکومیت حمله به تأسیسات هسته‌ای

در نامه سفیر و نماینده دائم جمهوری اسلامی ایران همچنین ادعا شده است «عدم محکومیت حمله به تأسیسات هسته‌ای، نقض تعهد آژانس در صیانت از تمامیت نظام پادمان‌های خود محسوب شده و اصول بنیادین رژیم جهانی عدم اشاعه را تضعیف می‌کند». در قانون الزام دولت به تعلیق همکاری با آژانس، مصوب ۱۴۰۴/۴/۴ مجلس شورای اسلامی به تخلفات آژانس اشاره نشده است و صرفاً دلیل این تعلیق را حملات اسرائیل و ایالات متحده آمریکا و اطمینان‌یافتن از رعایت حاکمیت و حق غنی‌سازی ایران دانسته است.

38. Ambassadors Letter to UNSC: IAEA Director Generals Malpractice Non-Fulfilment of Responsibilities, No 2534259, 20 June 2025.

39. <https://irna.ir/xjVFhJ>.

یکی از مهم‌ترین چالش‌های رژیم حقوقی حاکم بر انرژی هسته‌ای، موضوع امنیت تأسیسات صلح‌آمیز و مصونیت آن‌ها در برابر حملات نظامی است.^{۴۰} حمله به رآکتور اوسیراک عراق (۱۹۸۱)، حملات مکرر به نیروگاه بوشهر در جنگ ایران و عراق، حمله اسرائیل به تأسیسات دیرالزور سوریه (۲۰۰۷) و اقدامات خرابکارانه اخیر علیه تأسیسات ایران، همگی نشان داده‌اند که مسئله صیانت از تأسیسات تحت پادمان، جایگاهی حیاتی در حفظ اعتبار و کارایی رژیم جهانی عدم اشاعه دارد. در این میان، پرسش اصلی این است که آیا ممکن است سکوت یا عدم محکومیت چنین حملاتی از سوی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، نقض تعهد این سازمان در صیانت از تمامیت نظام پادمان‌ها تلقی شود؟ سند تأسیس آژانس و توافقنامه‌های پادمان، به آژانس، وظایفی در زمینه نظارت، بازرسی و راستی‌آزمایی پایبندی دولت‌ها به تعهدات هسته‌ای‌شان محول کرده است. وظیفه اصلی آژانس، تضمین این است که مواد و فعالیت‌های هسته‌ای صرفاً در مقاصد صلح‌آمیز استفاده شوند. در اسناد مؤسس، تکلیف صریحی مبنی بر صیانت از تأسیسات هسته‌ای کشورها در برابر حملات نظامی برای آژانس پیش‌بینی نشده است.

ممکن است حمله به تأسیسات هسته‌ای (مثلاً نیروگاه یا مراکز غنی‌سازی) در حقوق بین‌الملل عام، نقض اصل منع توسل به زور (ماده ۲(۴) منشور ملل متحد) و اصل احترام به تمامیت ارضی دولت‌ها باشد. همچنین اسناد خاص مانند قطعنامه ۶۴۳/XXV شورای حکام آژانس (۱۹۸۱) پس از حمله اسرائیل به اوسیراک عراق، این حملات را مغایر با اهداف آژانس و تهدیدی علیه رژیم عدم اشاعه معرفی کرده‌اند. آژانس می‌تواند از طریق شورای حکام یا کنفرانس عمومی، حمله را محکوم کند (مانند ماجرای اوسیراک) اما این موضوع بیشتر جنبه سیاسی دارد تا تکلیف حقوقی الزام‌آور. هیچ ماده‌ای در سند تأسیس یا توافقنامه‌های پادمان، تعهد الزام‌آور حقوقی بر آژانس برای محکومیت چنین حملاتی مقرر نکرده است.

رویه شورای حکام در این خصوص نیز متناقض بوده است. شورای حکام، حمله اسرائیل به رآکتور عراق را محکوم و آن را مغایر با اهداف سند تأسیس دانست. این قطعنامه به روشنی اعلام کرد که چنین حملاتی رژیم عدم اشاعه را تضعیف می‌کنند. با وجود حملات مکرر عراق به نیروگاه بوشهر در زمان جنگ عراق علیه ایران، آژانس واکنش قاطعی نشان نداد. این سکوت از همان زمان به‌عنوان نشانه‌ای از استانداردهای دوگانه مطرح شد.^{۴۱} در حمله اسرائیل به دیرالزور، تمرکز

40. Ludovica Castelli and Olamide Samuel, "Justifying Attacks on Nuclear Facilities", *The Nonproliferation Review* 30, 1-3 (2023): 83.

41. صالح رضایی، «ناگفته‌های حقوقی حملات نظامی عراق به نیروگاه اتمی بوشهر»، فصلنامه مطالعات دفاع مقدس ۷، ۲۸ (۱۳۸۸): ۳۰.

آژانس بر بررسی همکاری سوریه با بازرسان بود نه محکومیت حمله.^{۴۲} حملات سایبری (استاکس‌نت) و خرابکاری‌های فیزیکی به مراکز ایران، بدون واکنش صریح آژانس باقی ماندند. این رویه متناقض نشان می‌دهد که محکومیت حمله به تأسیسات هسته‌ای از سوی آژانس، بیشتر تابع ملاحظات سیاسی است تا تعهد الزام‌آور حقوقی.

از جهت سیاسی و تا حدی حقوقی می‌توان گفت سکوت یا عدم واکنش آژانس، روح تعهد به حمایت از اعتبار و تمامیت رژیم پادمان را تضعیف می‌کند، چرا که اگر آژانس در برابر حملات به تأسیسات سکوت کند، انگیزه کشورها برای همکاری با رژیم پادمان و معاهده ان‌پی‌تی کاهش می‌یابد. اما از منظر صرفاً حقوقی، آژانس چنین تکلیف مشخص و الزام‌آوری برای محکومیت ندارد. وظایف آژانس، محدود به نظارت و راستی‌آزمایی است، نه تضمین امنیت فیزیکی یا سیاسی تأسیسات. تضمین امنیت، بیشتر به عهده شورای امنیت و نظام کلی امنیت جمعی سازمان ملل است.

۳. واکنش حقوقی دولت‌های عضو به تخلفات سازمان بین‌المللی

در قسمت قبل اشاره شد سازمان بین‌المللی از شخصیت حقوقی مستقل برخوردار است و می‌تواند در حقوق بین‌الملل دارای حق و تکلیف باشد. اگر سازمان درگیر فعالیت‌هایی شود که ناقض تعهدات بین‌المللی‌اش باشد، مسئولیت بین‌المللی خواهد داشت. این امر به‌طور عام در رویه، و به‌طور خاص در پیش‌نویس ۲۰۱۱ تأیید شده است. در خصوص آژانس، رفتار این نهاد، از جمله شورای حکام، مدیرکل و بازرسان، به‌طور مستقیم، قابل انتساب به سازمان است. اگر رفتار مذکور، نقض تعهدات بین‌المللی این سازمان باشد، چه مبنای این تعهد، سند تأسیس سازمان باشد یا معاهده‌ای که سازمان عضو آن است، مانند موافقت‌نامه پادمان با اعضا، مسئولیت سازمان ایجاد شده است.

قبل از بررسی امکان توسل به اقدام متقابل از سوی اعضا علیه سازمان به منظور وادار کردن سازمان به اجرای تعهدات اولیه و ثانویه‌اش، سؤال این است که آیا اعمال و تصمیمات سازمان، خارج از حدود صلاحیت و برخلاف مفاد سند تأسیس از لحاظ حقوقی معتبر است یا خیر؟ آیا اصولاً دولت‌های عضو می‌توانند این رفتار سازمان را به چالش بکشند؟

۳-۱. بی‌اعتباری حقوقی اعمال و تصمیمات خلاف سند تأسیس

در مسئله غیرقانونی بودن اعمال و تصمیمات سازمان‌های بین‌المللی، توجه به این نکته لازم است که سازمان‌ها به‌عنوان اشخاص حقوقی مخلوق دولت‌ها بوده و تمام اختیارات خود را از یک منبع قراردادی یا سند تأسیسی می‌گیرند و موظف‌اند فقط در محدوده و مطابق با شرایط اعطای اختیار

42. https://www.iaea.org/newscenter/pressreleases/statement-iaea-director-general-mohamed-elbaradei?utm_source=chatgpt.com "Statement by IAEA Director General Mohamed ElBaradei.

به آن‌ها عمل کنند.^{۴۳} با توجه به موضوع و هدف پیش‌بینی شده در سند تأسیس، ممکن است تصمیمات فقط در مورد موضوعات خاصی اتخاذ شوند. اگر برخی از تضمین‌ها داده شود که محدودیت‌های سند تأسیس در مورد استفاده از این اختیارات، نقض نخواهد شد، دولت‌ها مایل به انتقال اختیارات به یک سازمان بین‌المللی هستند.^{۴۴}

در خصوص اعتبار حقوقی تصمیمات غیرقانونی سازمان‌های بین‌المللی، سؤال این است که آیا تصمیمات مزبور به‌طور مطلق و از بدو اتخاذ باطل است یا صرفاً قابل ابطال خواهد بود، و در این صورت چه مرجعی (دیوان یا رکن مربوطه سازمان) آن را ابطال خواهد کرد؟ آیا دولت‌های عضو به دلیل بی‌اعتباری حقوقی اقدام یا تصمیم سازمان می‌توانند به آن توجه نکرده و از اجرای تصمیم خودداری کنند؟ برخی را عقیده بر این است که نظریه بی‌اعتباری حقوقی تصمیمات غیرقانونی ارکان سازمان، ریشه در قیاسی نابجا با حقوق داخلی دولت‌ها دارد. برای اعمال هر نظریه‌ای مربوط به بی‌اعتباری، باید نهادی مستقل و قاطع وجود داشته باشد تا بتواند با قدرت الزام‌آور خود تصمیم‌گیری کند که آیا عمل مورد بحث، فاقد اثرات حقوقی است (صدور اعلامیه ابطال) یا رأساً آن عمل را ابطال کند (یک تصمیم زیربنایی). در حالی که چنین نهاد یا مقامی در حقوق داخلی دولت‌ها وجود دارد، هیچ صلاحیت اجباری‌ای در نظام حقوق بین‌الملل دیده نمی‌شود، و از این رو نظریه بی‌اعتباری حقوقی در نظام اخیر، جایگاهی نخواهد داشت. البته در برخی سازمان‌های بین‌المللی که در آن‌ها سیستم حل و فصل اختلافات اجباری وجود دارد، اختیار باطل اعلام کردن عمل یا ابطال خود عمل را دارند. مثال بارز آن نظام اتحادیه اروپاست که در آن دیوان دادگستری اتحادیه، اختیار ابطال تصمیمات سایر ارکان اتحادیه را دارد.^{۴۵}

در نظریات مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری می‌توان به تفسیر معتبری در مورد قانونی بودن تصمیمات سازمان ملل متحد و آژانس‌های تخصصی دست پیدا کرد. دیوان بین‌المللی دادگستری بین دو دسته از اقدامات غیرقانونی سازمان‌های بین‌المللی تفکیک قائل شده است. دسته اول، اقداماتی‌اند که به‌طور کلی از حدود اختیارات سازمان خارج بوده و به همین دلیل، غیرقانونی و فاقد هر گونه اثر حقوقی هستند. دسته دوم شامل اعمال و اقداماتی هستند که اگرچه به‌طور کلی در حدود صلاحیت سازمان قرار دارند، به نحوی منطبق با تقسیم وظایف میان ارکان متعدد سازمان اجرا نشده‌اند یا با مقررات شکلی صریح مقرر در سند تأسیس سازمان مغایرت دارند.^{۴۶} برای مثال، دیوان در رأی

43. Jan Klabbbers, *An Introduction to International Institutional Law* (Cambridge University Press, 2015), 236.

44. Schermers et al. *International institutional law: Unity Within Diversity*, 435.

45. Antonios Tzanakopoulos, "The Countermeasure of Disobedience: Implementing the Responsibility of International Organizations", in *Responsibility of International Organizations: Essays in Memory of Sir Ian Brownlie*, ed. Ragazzi, Maurizio, (Martinus Nijhoff Publishers, 2013), 365.

46. فریده شایگان، شورای امنیت سازمان ملل متحد و مفهوم صلح و امنیت بین‌المللی (تهران: انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۱۳۸۰)، ۷۲.

مشورتی خود راجع به قضیه هزینه‌های سازمان در پاسخ به اعتراض برخی دولت‌ها راجع به برپایی اولین عملیات اضطراری ملل متحد توسط یک رکن اشتباه (مجمع عمومی سازمان ملل متحد)، «تقسیم وظایف میان ارکان سازمان را امری مربوط به ساختار داخلی سازمان تلقی کرد. به نظر دیوان، ولو اینکه اقدام مزبور توسط رکنی اشتباه اتخاذ شده باشد که از حیث ساختار داخلی تخلف است، لزوماً به آن معنا نیست که مخارج صورت‌گرفته، مخارج سازمان نیست. در واقع دیوان بر این ایده تکیه دارد که سنجش قانونی بودن اقدامات سازمان در پرتو اهداف سازمان انجام می‌شود».^{۴۷} به بیان دیگر، مادامی که عمل یک سازمان در چارچوب اهداف سازمان باشد، دست‌کم این فرضیه مطرح است که سازمان مجاز به اجرای آن فعالیت بوده است.^{۴۸} با توجه به این نظر دیوان و نیز دکترین اختیارات ضمنی در حقوق سازمان‌های بین‌المللی، در عمل، فرض بر قانونی بودن اعمال سازمان‌ها است مگر در قضایای بسیار روشن که سازمان آشکارا برخلاف نص صریح سند تأسیس رفتار می‌کند.

طبق حقوق بین‌الملل، هر دولتی به‌طور کلی آزاد است که تعهدات خود را تفسیر کند.^{۴۹} تردیدی نیست که دولت‌های عضو سازمان‌های بین‌المللی در مواجهه با تصمیمی که در تجاوز از حدود اختیارات سازمان یا رکن مربوطه آن اتخاذ شده است، حق دارند به اعتبار آن اعتراض کنند.^{۵۰} اما باید توجه داشت که این اعتراض به معنای تصمیم یکجانبه و معتبر برای رد اعتبار حقوقی آن نخواهد بود.^{۵۱} رویه دیوان بین‌المللی دادگستری حاکی از آن است که در این موارد، نهایتاً رکن تصمیم‌گیرنده، خود در مورد صلاحیت تصمیم خواهد گرفت. دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه هزینه‌های سازمان ملل متحد اظهار داشت: «در نظام حقوقی دولت‌ها، غالباً آیینی برای تعیین اعتبار یک اقدام تقنینی یا حکومتی وجود دارد، اما هیچ‌گونه آیین مشابهی در ساختار ملل متحد یافت نمی‌شود. پیشنهادهایی که در طی طراحی منشور به منظور اعطای اقتدار نهایی تفسیر منشور به دیوان بین‌المللی دادگستری به عمل آمد، پذیرفته نشد... بنابراین همان طور که در ۱۹۴۵ پیش‌بینی شد، هر رکنی باید در وهله نخست، حداقل در مورد صلاحیت خود تصمیم بگیرد».^{۵۲}

در نظریه مشورتی آثار آرای جبران خسارت، صادره از دادگاه اداری ملل متحد، دیوان در پاسخ به این استدلال که مجمع عمومی با تأسیس یک دادگاه اداری با کارکردهای قضایی خارج از حدود

47. *Certain Expenses of the United Nations (Article 17, paragraph 2, of the Charter), Advisory Opinion, ICJ, Reports, 1962, p. 168.*

48. Ebere Osieke, "The Legal Validity of Ultra Vires Decisions of International Organizations", *AJIL*, 77 (1983): 239-56.

49. هدایت‌الله فلسفی، *حقوق بین‌الملل معاهدات* (تهران: فرهنگ نشر نو، ۱۳۷۹)، ۴۳۵.

50. Schermers et al. *International institutional law: Unity Within Diversity*, 435.

51. شایگان، همان، ۷۰.

52. *Certain Expenses of the United Nations (Article 17, paragraph 2, of the Charter), Advisory Opinion, ICJ, Reports, 1962, p. 168.*

اختیارانش عمل کرده است، به اختیارات ضمنی مجمع عمومی رجوع کرد. دیوان بر اهداف سازمان - ترویج آزادی و عدالت که از نظر دیوان باید عدالت میان سازمان و کارمندان را نیز دربرگیرد - تکیه می‌کند و به منظور تحقق این اهداف، نتیجه می‌گیرد که به مجمع عمومی اختیار تأسیس یک رکن قضایی که برای پرداختن به اختلافات استخدامی ضروری است، اعطا شده است.^{۵۳}

از نظریات مشورتی دیوان در خصوص عملکرد ارکان سازمان ملل متحد، این رویکرد قابل برداشت است: الف. برداشت وسیع از اهداف سازمان و تمایل به دادن اطمینان به اینکه سازمان در تحقق اهدافش موفق است؛ ب. رهیافت آزاد نسبت به اختیارات ضمنی و ج. تمایل به اعطای وزن قابل ملاحظه به تفسیر اختیارات توسط خود ارکان.^{۵۴} بدین ترتیب در واقع دیوان خواسته است از ایجاد خلأ قانونی که ناشی از نبود سازکاری قضایی برای بررسی اعتبار اقدامات و تصمیمات سازمان‌های بین‌المللی از یک طرف و رد صلاحیت سازمان‌های بین‌المللی برای تصمیم‌گیری راجع به دعاوی مربوط به صلاحیت‌شان از طرف دیگر است، اجتناب کند. بنابراین سازمان‌های بین‌المللی برای وصول به اهداف خود باید قادر به تصمیم‌گیری راجع به صلاحیت خود باشند. در غیر این صورت، هر دولت خواهد توانست با اعتراضات خود مانع انجام وظایف آن‌ها شود.^{۵۵}

۳-۲. توسل به اقدام متقابل از سوی دولت‌های عضو علیه سازمان

ضمانت اجرای غیرقانونی بودن اعمال و تصمیمات، لزوماً بی‌اعتباری حقوقی و ابطال آن‌ها نیست، بلکه ابطال تنها یکی از ضمانت‌اجراهای ممکن برای تصمیمات غیرقانونی است. این ضمانت اجرا نیازمند وجود برخی ویژگی‌های ساختاری نظم حقوقی است که در بسیاری از سازمان‌های بین‌المللی وجود ندارد. در نبود چنین ویژگی‌هایی، اصولاً ضمانت اجرای اعمال و تصمیمات غیرقانونی همان ضمانت اجرای معمول نظام حقوق بین‌الملل یعنی اقدامات متقابل است. این نوع از اجرای مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی، واکنش‌های تمرکززدایانه در برابر سازمان‌های بین‌المللی هستند که مسئولیت آن‌ها احراز شده اما وظایف ثانویه خود در خصوص توقف و جبران خسارت را انجام نداده‌اند. مسائل مربوط به اعمال متخلفانه بین‌المللی، محتوای مسئولیت بین‌المللی و اجرای مسئولیت بین‌المللی سازمان‌ها توسط پیش‌نویس ۲۰۱۱ پوشش داده شده است. ماده ۵۱(۲) اشاره می‌کند که: «اقدامات متقابل، محدود به عدم اجرای موقت تعهدات بین‌المللی دولت یا سازمان بین‌المللی است که در حال حاضر اقداماتی را در قبال سازمان بین‌المللی مسئول انجام می‌دهد». پیش‌نویس مواد از این

53. *Effect of Awards of Compensation Made by the United Nations Administrative Tribunal, Advisory Opinion, ICJ Reports, 1954, p. 56-57.*

۵۴. اسلون و هرماندز، همان، ۳۰.

۵۵. شایگان، همان، ۷۱.

فرض شروع می‌شود که سازمان بین‌المللی یا دولت زیان دیده می‌تواند علیه یک سازمان بین‌المللی مسئول، اقدامات متقابل انجام دهد زیرا دلیل قانع‌کننده‌ای مبنی بر این امر وجود ندارد که بشود یک سازمان را از هدف بالقوه بودن برای اقدامات متقابل معاف دانست.^{۵۶}

ممکن است این سؤال مطرح شود که چرا اعمال غیرقانونی سازمان‌ها فاقد اثر حقوقی نباشد و برای دولت عضو (تعهدی) ایجاد نکند؟ بنابراین عدم اجرا نیاز به هیچ ویژگی و توجیهی ندارد. پاسخ این سؤال که پیش‌تر درباره آن صحبت شد، دو لایه دارد. نخست اینکه هیچ نظریه منسجمی در خصوص بی‌اعتباری در حقوق بین‌الملل وجود ندارد و هیچ نظریه‌ای از این دست نمی‌تواند در نبود مقامی با قدرت و اختیارات متمرکز در خصوص صحت یا بی‌اعتباری این اعمال، کاربرد داشته باشد. دیگر اینکه چنین استدلالی امتناع از اجرای تصمیمات سازمان‌ها را به فضای کاملاً بی‌ضابطه‌ای واگذار می‌کند. دولت‌های عضو می‌توانند به دلایلی استدلال کنند که تصمیم، موجد هیچ اثر حقوقی نیست و می‌توانند این تصمیم را به همین دلیل نادیده بگیرند. اما از سوی دیگر، اگر عدم اجرا و عدم همکاری با سازمان به‌عنوان اقدام متقابل محسوب شود می‌توان حکم به قانونی بودن آن کرد و شرایط و قواعد مشخصی برای آن تعریف نمود.^{۵۷} این استدلال می‌گوید چنین عدم اجرایی تنها به واسطه رعایت الزامات و قواعد مربوط به توسل به اقدامات متقابل ممکن است در نظام حقوق بین‌الملل پذیرفته شود.

کمیسیون حقوق بین‌الملل در تلاش برای تنظیم قواعد مربوط به اقدامات متقابل علیه سازمان‌های بین‌المللی به دلیل کمبود رویه و ظرفیت و پیچیدگی مسائل حقوقی مورد بحث، با دشواری‌های فراوانی مواجه شده است.^{۵۸} همچنین برخی دولت‌ها در نظرات خود به کمیسیون، مخالف اختصاص دادن فصلی در پیش‌نویس به بحث اقدامات متقابل بودند. اظهارات چین به کمیته ششم مجمع عمومی چنین است: «در مورد اینکه آیا مفهوم اقدام متقابل را در رژیم مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی بگنجانیم یا خیر، اختلاف نظر قابل توجهی وجود داشته است. با توجه به تفاوت مهم بین سازمان‌های بین‌المللی و دولت‌ها، یعنی اینکه سازمان‌های بین‌المللی نماد درجه‌ای از تمرکز جامعه بین‌المللی، و نشان‌دهنده درجه‌ای از سازماندهی و انسجام در جامعه بین‌المللی غیرمتمرکز هستند که در آن دولت‌ها بازیگران اصلی هستند، ما اصرار داریم که ورود مفهوم اقدامات متقابل به رژیم مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی، مغایر با عملکرد فوق‌الذکر سازمان‌های بین‌المللی خواهد بود. ما به کمیسیون پیشنهاد می‌کنیم که با احتیاط بیشتری به این موضوع رسیدگی کند».^{۵۹} برخی دیگر معتقدند که

56. ILC, Draft articles on the responsibility of international organizations, with commentaries, 92.

57. Tzanakopoulos, *The Countermeasure of Disobedience: Implementing the Responsibility of International Organizations*, 370.

58. Simone Vezzani, "Countermeasures by Member States against International Organizations" in *Responsibility of International Organizations: Essays in Memory of Sir Ian Brownlie*, ed. Ragazzi, Maurizio (Martinus Nijhoff Publishers, 2013), 374.

59. G Gaja, Seventh Report on Responsibility of International Organization (A/CN.4/610), 36-37, at 114 and 117.

عاقلاً نه‌تر است که اقدامات متقابل با گنجاندن آن‌ها در پیش‌نویس مواد، به رسمیت شناخته شوند، اما تنظیم و محدود شوند.^{۶۰} این گزینه آخر، موضعی بود که در نهایت در پیش‌نویس مواد مربوط به مسئولیت بین‌المللی دولت و نیز مسئولیت بین‌المللی سازمان‌ها اتخاذ شده است.

پیش‌نویس ۲۰۱۱ میان اقدام متقابل دولت‌های عضو علیه سازمان و اقدامات سایر دولت‌ها علیه آن تمایز قائل شده است. در حالی که ماده ۵۱ و مواد ۵۳-۵۷ قابل اعمال بر هر دو حالت فوق هستند، ماده ۵۲ درباره قواعدی صحبت می‌کند که صرفاً مربوط به اقدامات متقابل دولت عضو علیه سازمان می‌شود. متن ماده به این شرح است:

«۱. با عنایت به بند ۲، یک دولت یا سازمان بین‌المللی که عضو سازمان بین‌المللی مسئول است، مجاز به اقدام متقابل علیه آن سازمان نیست مگر اینکه:

الف. شرایط مذکور در ماده ۵۱ وجود داشته باشد؛

ب. اقدامات متقابل با قواعد سازمان مغایرت نداشته باشد؛

ج. هیچ وسیله مناسب دیگری برای اجبار سازمان بین‌المللی مسئول، به توقف یا جبران خسارت ناشی از نقض وجود نداشته باشد.

۲. یک دولت یا سازمان بین‌المللی زیان‌دیده که عضو یک سازمان بین‌المللی مسئول است، مجاز به توسل به اقدام متقابل در واکنش به نقض تعهدات ناشی از قواعد آن سازمان نیست مگر اینکه اقدامات متقابل در آن قواعد، مجاز شمرده شده باشد».

قبل از بررسی اجمالی ماده ۵۲ لازم است به نکته مندرج در بند ۴ ماده ۵۱ توجه کرد. در واقع تفاوت مهم بین مسئولیت دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی در ماده ۵۱(۴) منعکس شده است که مقرر می‌دارد: «اقدامات متقابل باید به گونه‌ای انجام شوند که تأثیر آن‌ها بر اعمال وظایف سازمان بین‌المللی مسئول، محدود شود». در واقع یکی از نگرانی‌ها در خصوص اقدام متقابل علیه سازمان‌ها این است که ممکن است این اقدامات به انجام کارکردهای سازمان لطمه زده و لذا نیل به اهداف سازمان را به خطر اندازد. از نظر کمیسیون حقوق بین‌الملل، این دغدغه نمی‌تواند توجیهی برای عدم اعمال اقدامات متقابل علیه سازمان باشد، ولی می‌تواند موجب محدودیت‌هایی در این خصوص باشد؛ لذا بر اساس این بند، دولت یا سازمان بین‌المللی زیان‌دیده ملزم به انتخاب اقدامات متقابلی است که تا حد ممکن به‌طور محدود بر اجرای کارکردهای سازمان هدف تأثیر گذارند. این بند با اصل تناسب نیز مرتبط است. بر اساس ماده ۵۴ پیش‌نویس ۲۰۱۱: «اقدام متقابل باید با مدنظر قراردادن شدت عمل متخلفانه بین‌المللی و حقوق مورد بحث، متناسب با زیان وارده باشد». هدف از این اصل، جلوگیری از افراط، آسیب‌های غیرضروری و تضعیف نامتناسب طرف مقابل یا نهادهای بین‌المللی است. در رابطه با سازمان‌های بین‌المللی، تناسب باید با معیاری سختگیرانه‌تر

از آنچه در اقدامات متقابل میان دولت‌ها به کار می‌رود، سنجیده شود، چرا که سازمان‌ها در ذات خود برای وجود و عملکردهایشان به دولت‌های عضو وابسته هستند؛^{۶۱} لذا اگر اقدام متقابل، باعث تعطیلی کامل یا اختلال جدی در مأموریت‌های حیاتی سازمان شود، حتی اگر هدف وادار کردن به اجرای تعهدات باشد، غیرمجاز یا نامتناسب است.

همچنین با توجه به ماده ۵۴، اقدامات متقابل باید موقت و قابل بازگشت باشند. دولت عضو به مدت کوتاهی از اجرای یک یا چند تعهد بین‌المللی خویش در قبال سازمان مسئول خودداری می‌کند. بند ۲ ماده ۵۱ مبین این عنصر است. در کنار محدودیت بند ۴ ماده ۵۱، ماده ۵۲ در حوزه روابط بین سازمان و اعضا، محدودیت‌های بیشتری را بیان می‌کند.^{۶۲}

بند ۱ ماده ۵۲ مربوط به اقدامات متقابل دولت یا سازمان زیان‌دیده‌ای است که در واکنش به نقض تعهدات بین‌المللی ناشی از سایر منابع حقوق بین‌الملل انجام می‌شود، مثل نقض تعهدات ناشی از موافقت‌نامه‌های پادمانی آژانس با دولت‌های عضو آن. پی‌تی در خصوص این نوع از اقدام متقابل‌ها، علاوه بر بند ۴ ماده ۵۱ و سایر شرایط اقدام متقابل که در مواد بعدی آمده است. با توجه به ماده ۵۲(ب) اقدامات متقابل دولت‌های عضو علیه سازمان، تنها تا جایی مجاز است که این اقدامات، مغایر با قواعد سازمان، از جمله قواعد مندرج در سند مؤسس نباشند. همان‌طور که از گزارش ششم مخبر ویژه کمیسیون فهمیده می‌شود، این ماده باید به‌عنوان تعیین قواعد خاص مندرج در ماده ۶۴ تفسیر شود. در نظرات تفسیری کمیسیون، از اتحادیه اروپا به‌عنوان سازمانی که قواعد داخلی آن، دولت‌های عضو را از توسل به اقدامات متقابل علیه اتحادیه منع می‌کند ذکر نام شده^{۶۳} و در این راستا به قضیه کمیسیون جامعه اقتصادی اروپا علیه لوکزامبورگ و بلژیک استناد شده است. در این قضیه دو کشور خواننده معتقد بودند که چون قطعنامه‌های شورای کمیسیون راجع به عوارض گمرکی بر برخی محصولات لبنی، مغایر معاهده کارکرد اروپاست، آن‌ها مجازند تعهدات خود را به موجب آن معاهده در واکنش به عمل کمیسیون نقض کنند. اما دیوان دادگستری اروپا چنین اقدامی را مغایر حقوق جامعه دانست:

به استثنای مواردی که به صراحت تصریح شده باشد، مفهوم بنیادین [معاهده مؤسس جامعه اقتصادی اروپا] اقتضا می‌کند که دولت‌های عضو، قانون را در اختیار خود نگیرند. بنابراین، این واقعیت که شورا تعهدات خود را انجام نداده است نمی‌تواند خوانندگان را از ایفای تعهداتشان مبرا کند.^{۶۴} با توجه به آنچه در اکثر سازمان‌ها مشاهده می‌شود، تشخیص اینکه آیا قواعد سازمان صراحتاً و

61. Vezzani, *Countermeasures by Member States against International Organizations*, 378.

62. ILC, *Draft articles on the responsibility of international organizations, with commentaries*, p. 92-93.

63. *Ibid.*, p. 93.

64. *Commission of the European Economic Community v. Grand Duchy of Luxembourg and Kingdom of Belgium*, Joined cases 90/63 and 91/63, Judgment of 13 November 1964, *European Court of Justice Reports* 1964, para 626, 636.

به‌عنوان قاعده خاص، توسل به اقدامات متقابل را ممنوع کرده‌اند یا نه، دشوار به نظر می‌رسد. تا آنجا که مشخص است، در اسناد مؤسس سازمان‌های بین‌المللی، مقررۀ خاصی در خصوص حق دولت‌های عضو برای توسل به اقدام متقابل در ازای نقض تعهداتی که سازمان در قبال اعضایش داشته و در حقوق بین‌الملل عام نیز آمده است، دیده نمی‌شود. ماده ۵۲(ب) می‌تواند به شیوۀ موسع‌تری نیز تفسیر و قرائت شود؛ بدین صورت که اقدامات متقابلی را ممنوع می‌کند که ناقض هر یک از قواعد سازمان باشند. بر مبنای این تفسیر موسع ماده ۵۲(ب) حاشیۀ امن تعهدات غیرقابل تخطی مندرج در ماده ۵۳ گسترش می‌یابد. با وجود این، نه در کار کمیسیون حقوق بین‌الملل، و نه در نظرانی که دولت‌ها به کمیسیون اعلام کرده یا در کمیته ششم مجمع عمومی بیان کرده‌اند، حمایتی از تفسیر ماده ۵۲(ب) به گونه‌ای که گویا این ماده متضمن منع اقدامات متقابلی که خود ناقض قواعد سازمان باشند و در واقع تعهداتی به موجب حقوق بین‌الملل محسوب شوند، به چشم نمی‌خورد.^{۶۵}

باید میان انواع مختلف قواعد سازمان که موجب شکل‌گیری تعهدات بین‌المللی برای دولت‌های عضو در مقابل سازمان می‌شوند، تفاوت قائل شد. بدون شک، برخی از این قواعد ماهیت غیرقابل نقض دارند، چرا که تبعیت از آن‌ها برای کارکرد سازمان لازم و ضروری است و بند ۴ ماده ۵۱ هم بر این موضوع تأکید دارد. برخی نیز با توجه به اصل همکاری و حسن‌نیت در روابط اعضا با سازمان که در سند تأسیس سازمان‌ها منعکس شده است، معتقدند که اقدام متقابل اعضا علیه سازمان می‌تواند با این اصل در تعارض باشد.^{۶۶}

از سوی دیگر، قواعد سازمانی دیگری نیز وجود دارند که ممکن است توسط دولت‌های عضو به‌عنوان توسل به اقدام متقابل، نقض شوند. به‌عنوان مثال، اقدام متقابل متناسب در برابر سازمان می‌تواند کاهش یکجانبۀ سهم آن دولت از هزینه‌های سازمان باشد که به موجب سند تأسیس، موظف به پرداخت آن است.^{۶۷}

ماده ۵۲(ج) الزام شکلی دیگری برای توسل به اقدامات متقابل توسط دولت‌های عضو علیه سازمان پیش‌بینی کرده است: «نبود ابزارهای مناسب دیگر برای اجبار سازمان بین‌المللی مسئول، به توقف یا جبران خسارت ناشی از نقض». اصطلاح «ابزارهای مناسب»^{۶۸} به آن دسته از ابزارهای قانونی اشاره دارد که متناسب هستند و چشم‌انداز معقولی را برای وادار کردن عضو به رعایت مقررات، در زمانی که قصد انجام اقدامات متقابل را دارد، ارائه می‌دهند.^{۶۹} این «ابزارهای مناسب» در تفسیر

65. Vezzani, *Countermeasures by Member States against International Organizations*, 378.

66. زرگری‌نژاد، همان، ۱۶۶.

67. دن ساروشی، *سازمان‌های بین‌المللی و اعمال اختیارات حاکمیتی*، ترجمه: پوریا عسکری (تهران: انتشارات شهر دانش، ۱۳۹۰)، ۱۴۴.

68. Appropriate Means

69. ILC, *Draft articles on the responsibility of international organizations, with commentaries*, p. 92-93.

کمیسیون حقوق بین‌الملل روشن شده‌اند و بر اساس رویه و دکتین، شامل موارد زیر می‌شوند:
الف. سازکارهای درون‌سازمانی: شامل مذاکرات سیاسی و دیپلماتیک در درون سازمان (مانند طرح موضوع در شورا یا مجمع عمومی سازمان)؛ اعمال حق رأی یا امتناع از رأی در نهادهای تصمیم‌گیر سازمان؛ اعتراض رسمی یا یادداشت دیپلماتیک در چارچوب آیین‌نامه‌های سازمان. سازکارهای حل و فصل اختلاف داخلی (در صورت پیش‌بینی در سند تأسیس یا مقررات سازمان).

ب. سازکارهای خارج از سازمان: مذاکره و مشاورهٔ دوجانبه یا چندجانبه بین دولت و سازمان؛ توسل به میانجی‌گری یا سازش از سوی دولت‌های عضو دیگر یا نهادهای بی‌طرف؛ ارجاع به داوری یا دیوان بین‌المللی دادگستری به منظور اخذ نظر مشورتی؛ اطلاع‌رسانی و اعتراض در مجامع بین‌المللی مرتبط (مثل مجمع عمومی سازمان ملل در مورد آژانس‌ها).

ج. فشارهای سیاسی-حقوقی غیرقهرآمیز: تعلیق موقت یا کاهش سطح همکاری‌های غیرالزامی با سازمان، مشروط بر اینکه تعهدات اصلی نقض نشود؛ استفاده از ائتلاف با سایر دولت‌های عضو برای ایجاد فشار نهادی بر سازمان.

این ماده به درستی بیان کرده است که تنها شیوه‌هایی که باید پیش از اقدامات متقابل طی شوند، آن‌هایی هستند که برای اجبار سازمان بین‌المللی مسئول به توقف یا جبران خسارت ناشی از نقض، «مناسب» باشند.^{۷۰}

در حالی که ماده ۵۲(۱) در خصوص محدودیت‌های توسل به اقدامات متقابل در پاسخ به نقض هر یک از تعهدات بین‌المللی الزام‌آور برای سازمان صحبت می‌کند، ماده ۵۲(۲) صرفاً به پیامدهای نقض تعهدات بین‌المللی ناشی از قواعد سازمان پرداخته و مقرر می‌دارد در چنین حالتی توسل به این اقدامات ممنوع است مگر اینکه صراحتاً توسط قواعد سازمان مجاز دانسته شده باشد. در نظرات تفسیری کمیسیون، مثالی دربارهٔ قواعد سازمان که اتخاذ اقدام متقابل توسط دولت‌های عضو را مجاز دانسته باشد ذکر نشده است. به نظر می‌رسد که در عمل، اعمال ماده ۵۲(۲) منجر به نفی امکان اقدام متقابل توسط دولت‌های عضو در واکنش به نقض تعهدات بین‌المللی سازمان به موجب قواعد سازمان می‌شود. هدف از این محدودیت بر توسل به اقدام متقابل، همانی است که کلیت ماده ۵۲ ملهم از آن است، یعنی حفظ استقلال سازمان‌های بین‌المللی. حتی گفته می‌شود که این ماده، قواعد سازمان را به مثابه نظام خودبسنده فرض کرده است که احتمال دسترسی به تضامین تعیین‌شده به موجب حقوق بین‌الملل عام را در صورت نقض هر یک از قواعد سازمان، کاملاً منتفی می‌داند.^{۷۱} البته همان گونه که کمیسیون حقوق بین‌الملل در کارش دربارهٔ تکرار در حقوق بین‌الملل

70. Vezvani, *Countermeasures by Member States against International Organizations*, p. 381.

71. *Ibid.*

تأیید کرده است،^{۷۲} در حقیقت هیچ دلیلی برای عدم اعمال قواعد حقوق بین‌الملل عام مربوط به اقدام متقابل در صورت ناکارآمدی سیستم ایجادشده به موجب سند مؤسس سازمان‌های بین‌المللی وجود ندارد. از این رو *اُکائیل* معتقد است که وقتی راه‌حل دیگری برای مسئول ساختن سازمان وجود ندارد، مثلاً زمانی که دادگاه صالح برای تصمیم‌گیری در خصوص اقدامات سازمان وجود ندارد، ارتکاب اقدامات متقابل، تنها راه‌حل اعضا تلقی می‌شود.^{۷۳}

در اینجا با توجه به ماده ۵۲ و نکات مطرح در قسمت‌های قبل مقاله می‌توان در خصوص مشروعیت اقدام ایران در تعلیق همکاری با آژانس، ارزیابی خود را ارائه داد. نکته مهم که باید توجه داشت این است که در اقدام متقابل، دولت عضو، تعهدات حقوقی بین‌المللی خود را در مقابل سازمان مسئول اجرا نمی‌کند؛ لذا تعهدات غیرحقوقی مثل همکاری بر مبنای برجام یا اجرای داوطلبانه پروتکل الحاقی و سپس متوقف کردن این نوع همکاری از حوزه بحث خارج است.

در خصوص نقض تعهد به اصل محرمانگی که در قسمت قبل به آن اشاره شد، از آنجا که مبنای این تعهد، هم سند تأسیس و هم موافقت‌نامه پادمان است، واکنش حقوقی ایران در تعلیق همکاری می‌تواند بر مبنای متفاوتی قرار گیرد. خارج از نظام مسئولیت بین‌المللی و با توجه به ماده ۹ موافقت‌نامه پادمان، ایران می‌تواند بازرسانی را که در افشای اطلاعات محرمانه نقش داشته‌اند نپذیرد؛ همان طور که در مواردی این اقدام را انجام داده است. همچنین بر اساس حقوق معاهدات، نقض اساسی موافقت‌نامه دوجانبه، به طرف دیگر، حق فسخ یا تعلیق جزئی یا کامل تعهدات را می‌دهد. از این رو در مواردی که ایران دلایلی موجه مبنی بر نقض اصل محرمانگی از سوی آژانس و در نتیجه به‌خطرافتادن حقوق و منافع اساسی‌اش در دست دارد (مانند ترور دانشمندان هسته‌ای یا حمله و ویروسی به تأسیسات اتمی به سبب درز اطلاعات محرمانه) می‌تواند از همکاری خودداری کند.^{۷۴} اقدام در چارچوب قواعد مسئولیت بین‌المللی و توسل به اقدام متقابل در خصوص این نوع تخلف مستلزم شرایطی است که در قسمت قبل بر اساس پیش‌نویس ۲۰۱۱ بررسی شد. چنانچه تأکید ایران بر نقض موافقت‌نامه پادمان استوار باشد، شرایط بند ۱ ماده ۵۲ و نیز بند ۴ ماده ۵۱ باید مورد توجه قرار گیرد. از آنجا که یکی از کارکردهای مهم و حیاتی آژانس، راستی‌آزمایی و نظارت است، تعلیق همکاری با آن در این حوزه، هم با بند ۴ ماده ۵۱ و هم با اصل تناسب مغایرت دارد. از سوی دیگر، دولت‌ها باید پیش از توسل به اقدام متقابل، طرح ادعا کرده و با روش‌های حل و فصل اختلاف، پیگیر حقوق خود باشند. از این رو ماده ۱۷ موافقت‌نامه پادمان هم مقرر می‌دارد «هرگونه

72. ILC, Fragmentation of International Law: Difficulties Arising from the Diversification and Expansion of International Law, Yearbook of International Law Commission, 2006, Vol II, Part Two.

73. Mary Ellen O'Connell, *The Power and Purpose of International Law: Insights from the Theory and Practice of Enforcement* (Oxford University Press 2011), 267.

74. رنجریان و کمالی‌نژاد، همان، ۲۲.

ادعای دولت ایران در خصوص خسارت ناشی از اجرای پادمان از طریق حقوق بین‌الملل حل و فصل خواهد شد؛ لذا پیش از توسل به اقدام متقابل در خصوص نقض تعهدات پادمان از سوی آژانس باید روش‌های حل و فصل اختلاف از جمله روش‌های غیرحقوقی و نیز اعتراض نزد شورای حکام یا کنفرانس عمومی انجام شود. چنانچه ادعای نقض تعهد محرمانگی صرفاً بر سند تأسیس مبتنی باشد، طبق بند ۲ ماده ۵۲ توسل به اقدام متقابل مستلزم مجوز آن در سند تأسیس آژانس است. سند تأسیس هم در این خصوص فاقد مقرر است.

اما قانون الزام دولت به تعلیق همکاری با آژانس پس از جنگ ۱۲ روزه وضع شده است. در قانون به تخلفات آژانس اشاره نشده است و تجاوزات صورت‌گرفته اسرائیل و امریکا را مبنای تعلیق همکاری عنوان می‌کند. البته همان گونه که در قسمت قبل بیان شد، از بیانیه‌ها و نامه رسمی ایران به شورای امنیت و نیز برخی اظهارنظرهای مقامات جمهوری اسلامی ایران مشخص است، نقض تعهد به اصل بی‌طرفی و حرفه‌ای‌گری در گزارش‌دهی مدیرکل آژانس که مؤثر در تحریک به تجاوز به تأسیسات هسته‌ای بوده است و نیز عدم محکومیت این حمله از سوی آژانس، مبنای این تعلیق همکاری است. ملاحظه شد منبع تعهد به این دو اصل در سند تأسیس آژانس است و در موافقت‌نامه پادمان در این خصوص مقرره‌ای دیده نمی‌شود؛ لذا با تخلف از این اصول در واقع مدیرکل، سند تأسیس سازمان را نقض کرده است؛ لذا طبق بند ۲ ماده ۵۲ توسل به اقدام متقابل مستلزم مجوز آن در قواعد سازمان به‌ویژه سند تأسیس است. در سند تأسیس آژانس نه‌تنها در مورد مجوز اقدام متقابل در برابر سازمان، بلکه در خصوص رفع اختلاف اعضا با سازمان نیز ترتیبات خاصی مقرر نشده است. در خصوص عدم محکومیت تجاوز از سوی آژانس، چنانچه در قسمت قبل اشاره شد، تعهد حقوقی صریحی در این زمینه برای آژانس در سند تأسیس یا در معاهده ان.پی.تی یا موافقت‌نامه پادمان پیش‌بینی نشده است؛ لذا در نبود تعهد بین‌المللی اولیه، نقض تعهد و فعل متخلفانه‌ای هم واقع نمی‌شود و لذا سازمان در این خصوص فاقد مسئولیت است.

نتیجه

بررسی حاضر نشان داد که سازمان‌های بین‌المللی، علی‌رغم برخورداری از شخصیت حقوقی مستقل و اختیارات گسترده، در چارچوب قواعد حقوق بین‌الملل و به‌ویژه سند تأسیس و معاهدات مرتبط، ملزم به رعایت تعهدات خود هستند و در صورت نقض آن‌ها، مسئولیت بین‌المللی متوجه سازمان خواهد بود. پیش‌نویس ۲۰۱۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل با صراحت این اصل را تثبیت کرده و مبنایی برای تحلیل مسئولیت سازمان‌ها از جمله آژانس بین‌المللی انرژی اتمی فراهم ساخته است. از منظر مشروعیت تصمیمات و اقدامات سازمان‌ها، رویه دیوان بین‌المللی دادگستری نشان می‌دهد

که اصل بر اعتبار تصمیمات سازمان در پرتو اهداف و اختیارات ضمنی است و تنها در موارد نقض آشکار نص صریح سند تأسیس می‌توان از بی‌اعتباری حقوقی سخن گفت. به همین دلیل، نظریهٔ بطلان تصمیمات غیرقانونی سازمان‌ها در عمل با موانع جدی مواجه است و به جای آن، استفاده از سازکارهای داخلی یا اقدامات متقابل در چارچوب قواعد عام مسئولیت بین‌المللی مطرح می‌شود.

از حیث واکنش دولت‌های عضو، اقدام متقابل علیه سازمان‌های بین‌المللی تنها در شرایط محدود و با رعایت ضوابط مقرر در مواد ۵۱ و ۵۲ پیش‌نویس مسئولیت بین‌المللی سازمان‌های بین‌المللی ۲۰۱۱ قابل توجیه است. این محدودیت‌ها، به‌ویژه لزوم عدم مغایرت اقدام متقابل با قواعد سازمان و تلاش پیشینی برای بهره‌گیری از راهکارهای درون‌سازمانی و سازکارهای حل و فصل اختلاف، بیانگر تمایل جامعهٔ بین‌المللی به حفظ استقلال و کارکرد سازمان‌ها در عین امکان پاسخ‌گویی آن‌هاست. از این رو دغدغهٔ اصلی کمیسیون حقوق بین‌الملل در تلاش برای تدوین قواعد ناظر بر توسل به اقدام متقابل علیه سازمان‌ها، محدودکردن اختیار دولت‌های عضو در استفاده از اقدامات متقابل در برابر سازمانی که عضویتش را دارند، بوده است. کمیسیون به‌ویژه نگران این مسئله بود که مشروعیت بخشیدن به اقدامات متقابل منجر به سوءاستفاده‌های روزافزون به‌ویژه توسط اعضای قدرتمند سازمان می‌شود.

در ارتباط با اقدام ایران در تعلیق همکاری با آژانس می‌توان گفت که اگر این اقدام بر نقض تعهدات ناشی از موافقت‌نامهٔ پادمان (مانند اصل محرمانگی) استوار باشد، توسل به اقدام متقابل نیازمند طی مراحل حل و فصل اختلاف و رعایت محدودیت‌های ماده ۵۱ و ۵۲ است. اما اگر مبنای آن صرفاً اصول مندرج در سند تأسیس آژانس همچون بی‌طرفی و حرفه‌ای‌گری مدیرکل باشد، به دلیل فقدان مجوز در سند تأسیسی آژانس، اقدام متقابل فاقد مبنای حقوقی روشن خواهد بود. در نهایت، این مطالعه نشان داد که خلأها و ابهامات موجود در نظام مسئولیت بین‌المللی سازمان‌ها، از جمله در زمینهٔ امکان و حدود اقدام متقابل دولت‌های عضو، نه تنها به بروز اختلافات عملی دامن می‌زند، بلکه می‌تواند موجب تضعیف کارکرد سازمان‌ها نیز بشود. از این رو پیشنهاد می‌شود جامعهٔ بین‌المللی در راستای تدوین قواعد روشن‌تر و ایجاد سازکارهای مؤثر نظارتی و قضایی گام بردارد تا از یک سو پاسخ‌گویی سازمان‌ها تضمین شود و از سوی دیگر، انسجام و کارایی آن‌ها آسیب نبیند. در مجموع، چالش‌های حقوقی یکجانبهٔ دولت‌ها با سازمان‌های بین‌المللی بدون همراهی سایر اعضا با دولت زیان‌دیده، راه به جایی نخواهد برد زیرا همان طور که از نظرات دیوان استفاده می‌شود در سازمان‌های فاقد رکن قضایی کنترل‌کنندهٔ قانونی بودن اعمال سازمان، ارکان غیرقضایی با حق تفسیر سند تأسیس و نیز توسل به دکتترین ضرورت کارکردی، اقدامات خود را به لحاظ حقوقی توجیه خواهند کرد.

منابع:

الف. فارسی

– کتاب

۱. ابراهیم گل، علیرضا، *اقدامات متقابل و مسئولیت ناشی از منافع جمعی*. تهران: انتشارات خرسندی، ۱۳۹۲.
۲. اسلون، جمیز جی و گلیدر آی هرناوندز، *دیوان بین‌المللی دادگستری و توسعه حقوق سازمانی سازمان ملل متحد*. ترجمه: مهدی حدادی و سیامک کریمی، تهران: انتشارات خرسندی، ۱۳۹۶.
۳. بیگزاده، ابراهیم، *حقوق سازمان‌های بین‌المللی*. تهران: انتشارات مجد، ۱۳۸۹.
۴. حدادی، مهدی، *تحول در اجرای مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها*. تهران: نشر دادگستر، ۱۳۹۰.
۵. زمانی، سیدقاسم، *حقوق سازمان‌های بین‌المللی*. تهران: انتشارات شهر دانش، ۱۳۹۶.
۶. ساروشی، دن، *سازمان‌های بین‌المللی و اعمال اختیارات حاکمیتی*، ترجمه: پوریا عسکری، تهران: انتشارات شهر دانش، ۱۳۹۰.
۷. شایگان، فریده، *شورای امنیت سازمان ملل متحد و مفهوم صلح و امنیت بین‌المللی*. تهران: انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی ۱۳۸۰.
۸. فلسفی، هدایت‌الله، *حقوق بین‌الملل معاهدات*. تهران: فرهنگ نشر نو، ۱۳۷۹.
۹. کمیسیون حقوق بین‌الملل، *حقوق مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی* (متن و شرح مواد طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد). ترجمه: عبدالله عابدینی و خلیل روزگاری. تهران: انتشارات خرسندی، ۱۳۹۳.
۱۰. ممتاز، جمشید، *حقوق بین‌الملل سلاح‌های کشتار جمعی*. ترجمه و تحقیق: امیرحسین رنجبریان. تهران: نشر دادگستر، ۱۳۷۷.
۱۱. موسی‌زاده، رضا، *حقوق سازمان‌های بین‌المللی: حقوق شورای امنیت*. تهران: نشر میزان، ۱۳۸۹.

– مقاله

۱. حدادی، مهدی و رضا اسمخانی، «ماهیت حقوقی قواعد سازمان‌های بین‌المللی: داخلی یا بین‌المللی»، *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی* ۵۰، شماره ۴ (۱۳۹۹).
۲. رنجبریان، امیرحسین و حسن کمالی‌نژاد، «تعهد آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به حفاظت از اطلاعات محرمانه هسته‌ای ایران»، *مجله حقوقی بین‌المللی* ۳۰، شماره ۴۹ (۱۳۹۲).
۳. سادات میدانی، «سیدحسین، اختلافات آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با ایران در پرونده هسته‌ای از دیدگاه حقوق بین‌الملل»، *مجله حقوقی بین‌المللی* ۳۳، شماره ۵۴ (۱۳۹۵).

۴. رضایی، صالح، «ناگفته‌های حقوقی حملات نظامی عراق به نیروگاه اتمی بوشهر»، فصلنامه مطالعات دفاع مقدس ۷، شماره ۲۸ (۱۳۸۸).

- رساله

۱. اسمخانی، رضا، تأثیر ماهیت قواعد سازمان بر مسئولیت بین‌المللی سازمان‌های بین‌المللی، رساله دکتری (دانشکده حقوق، دانشکدگان فارابی دانشگاه تهران، ۱۳۹۸).
۲. زرگری‌نژاد، نسیم، جلال عام و خاص در حقوق مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی، رساله دکتری (دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۴۰۲).

ب. انگلیسی

- Books

1. Klabbers, Jan, *An Introduction to International Institutional Law*. Cambridge: Cambridge University Press, 2015.
2. O'Connell, Mary Ellen, *The Power and Purpose of International Law: Insights from the Theory and Practice of Enforcement*. Oxford: Oxford University Press 2011.
3. Schermers, Henry G & Niels M. Blokker, *International institutional law: unity within diversity*. Martinus Nijhoff Publishers, 2011.
4. Tzanakopoulos, Antonios, "The Countermeasure of Disobedience: Implementing the Responsibility of International Organizations", in *Responsibility of International Organizations: Essays in in Memory of Sir Ian Brownlie*, edited by Ragazzi, Maurizio. Martinus Nijhoff Publishers, 2013.
5. Vezzani, Simone, "Countermeasures by Member States against International Organizations" in *Responsibility of International Organizations: Essays in in Memory of Sir Ian Brownlie*, edited by Ragazzi, Maurizio. Martinus Nijhoff Publishers, 2013.

- Articles

1. Ahlborn, Christiane, "The Rules of International Organizations and the Law of International Responsibility", *International Organizations Law Review* 8 (2011).
2. Castelli Ludovica and Olamide Samuel, "Justifying Attacks on Nuclear Facilities", *The Nonproliferation Review* 30(1-3)(2023).
3. Findlay, Trevor, "IAEA Noncompliance Reporting and the Iran Case", *Arms Control Today* 46(2016).
4. Osieke, Ebere, "The Legal Validity of Ultra Vires Decisions of International Organizations", *AJIL* 77 (1983).

5. Weichselbraun, Anna, "From Accountants to Detectives: How Nuclear Safeguards Inspectors Make Knowledge at the International Atomic Energy Agency", *POLAR* 43, 1(2020).

- Cases

1. *Barcelona Traction, Light and Power Company, Limited (Belgium v. Spain)*, ICJ Reports, 1970.
2. *Certain Expenses of the United Nations (Article 17, paragraph 2, of the Charter)*, Advisory Opinion, ICJ Reports, 1962
3. *Effect of Awards of Compensation Made by the United Nations Administrative Tribunal*, Advisory Opinion, ICJ Reports, 1954.
4. *ECJ, Commission of the European Economic Community v. Grand Duchy of Luxembourg and Kingdom of Belgium, Joined cases 90/63 and 91/63*, Judgment of 13 November 1964, European Court of Justice Reports 1964.
5. *Interpretation of the Agreement of 25 March 1951 between the WHO and Egypt*, Advisory Opinion, ICJ Reports, 1980.
6. *Legality of the Use by a State of Nuclear Weapons in Armed Conflict (Request by WHO) Advisory Opinion*, ICJ Reports, 1996.
7. *Reparation for injuries suffered in the service of the United Nations*, Advisory Opinion, ICJ Reports, 1949.

- Instruments

1. Vienna Convention on the Law of Treaties between International Organizations and States and between International Organizations, 25 ILM 543 (1986). https://treaties.un.org/pages/ViewDetails.aspx?src=TREATY&mtdsg_no=XXIII-3&chapter=23&clang=_en
2. Vienna Convention on the Representation of States in their Relations with International Organizations of a Universal Character, UN Doc. A/CONF. 67/16 (14 March 1975). https://treaties.un.org/pages/ViewDetails.aspx?src=TREATY&mtdsg_no=III-11&chapter=3&clang=en

- Documents

1. Agreement between Iran and the Agency for the Application of Safeguards in Connection with the Treaty on the Non-proliferation of Nuclear Weapons, INFCIRC/214, 13 December 1974. <https://www.iaea.org/publications/documents/infcircs/text-agreement-between-iran-and-agency-application-safeguards-connection-treaty-non-proliferation-nuclear-weapons>
2. Gorgio Gaja, Seventh Report on Responsibility of International Organization (A/CN.4/610). https://untreaty.un.org/ilc/documentation/english/a_cn4_610.pdf
3. ILC, Fragmentation of International Law: Difficulties Arising from the Diversification and Expansion of International Law, Report of the Study Group of the ILC, YILC, Vol II, Part Two, 2006. <https://digitallibrary.un.org/>

record/574810?ln=en&v=pdf#files

4. ILC, "Draft articles on the Responsibility of International Organizations, with Commentaries", YILC, Vol. II, Part 2, 2011. https://legal.un.org/ilc/texts/instruments/english/commentaries/9_11_2011.pdf
5. ILC, "Yearbook of the International Law Commission", A/CN.4/SER.A/1982, Vol 1. https://legal.un.org/ilc/publications/yearbooks/english/ilc_1982_v2_p2.pdf
6. ILC, "Yearbook of the International Law Commission", A/CN.4/SER.A/2008, Vol 2, part 2. <https://digitallibrary.un.org/record/1306889?v=pdf&ln=en>

- Online Sources

1. Ambassadors Letter to UNSC: IAEA Director Generals Malpractice Non-Fulfilment of Responsibilities, No 2534259, 20 June 2025. <https://newyork.mfa.ir/portal/product/11706/451/Ambassadors-Letter-to-UNSC-IAEA-Director-Generals-Malpractice-Non-Fulfilment-of-Responsibilities>
2. Boon, Kristen E, "The Responsibility of International Organizations: The Controversy Over Countermeasures", <https://opiniojuris.org/2009/11/19/the-responsibility-of-international-organizations-the-controversy-over-countermeasures/>
3. Hibbs, Mark, "Why Does the IAEA Do What It Does?", *Carnegie Endowment for International Peace*. <https://carnegieendowment.org/posts/2017/11>.
4. Joint Statement of Ministry of Foreign Affairs and the Atomic Energy Agency of Iran regarding the Report of Director General of the IAEA on Board of Governors' Meeting in June 2025, <https://mfa.gov.ir/portal/newsview/767392/>